



اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی
اصفهان
ISFAHAN CHAMBER OF COMMERCE
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

مقایسه بین‌المللی قیمت و تورم دلاری کالاهای مصرفی ایران با کشورهای منتخب (ایران، عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین، ایتالیا)

مرکز پژوهش و بررسی‌های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان پژوهش: مقایسه بین‌المللی قیمت و تورم دلاری کالاهای مصرفی ایران با کشورهای منتخب (ایران، عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا)

مرکز پژوهش و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی اصفهان

تهیه کننده: پریسا حمیدی

ناظر: مرتضی درخشان

تاریخ انتشار: تیر ۱۴۰۵

واژگان کلیدی: قیمت دلاری کالاها، قدرت خرید خانوار، دستمزد واقعی، برابری قدرت خرید

فهرست:

- ۱- چکیده مدیریتی ۴
- ۲- پیشگفتار..... ۶
- ۳- تصویر کلان قیمت و تورم در ایران و کشورهای منتخب..... ۹
 - ۳-۱. روند تورم و شاخص قیمت مصرف کننده در ایران ۹
 - ۳-۲. مقایسه روند تورم در ایران و مقایسه با کشورهای عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا..... ۱۲
- ۴- مقایسه خرده‌فروشی کالاهای مصرفی ۱۶
 - ۴-۱. انتخاب اقلام مصرفی برای مقایسه ۱۶
 - ۴-۲. تحلیل بر اساس نرخ ارز واقعی بازار (FX) در سال ۲۰۲۵ ۱۸
 - ۴-۳. تحلیل بر اساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP) ۲۲
 - ۴-۴. جمع بندی تطبیقی رویکردهای (FX) و (PPP)..... ۲۶
- ۵- مقایسه عمده فروشی کالاهای فله‌ای ۲۷
 - ۵-۱. تعریف و سبد کالاهای فله‌ای ۲۷
 - ۵-۲. تحلیل بر اساس نرخ ارز واقعی بازار (FX) در سال ۲۰۲۵ ۲۹
 - ۵-۳. تحلیل حاشیه توزیع میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی (Mark-up Analysis) ۳۳
- ۶- ارزیابی دلاری شدن هزینه اقلام ضروری در ایران ۳۷
- ۷- مقایسه دستمزد و قدرت خرید اقلام ضروری ۴۰
 - ۷-۱. قدرت خرید کالایی و مقایسه دستمزد دلاری کشورهای منتخب ۴۰
 - ۷-۲. قدرت خرید کالاهای ضروری بر اساس دستمزد ۴۳
 - ۷-۳. تحلیل شکاف قیمت دلاری و دستمزد دلاری ۴۵
- ۸- جمع بندی و پیشنهادهای سیاستی ۴۷
 - ۸-۱. آیا قیمت اقلام ضروری ایران جهانی شده است؟ ۴۷
 - ۸-۲. آیا درآمد ایرانیان هم جهانی شده است؟ ۴۸
 - ۸-۳. منشأ فشار معیشتی چیست؟ ۴۹
 - ۸-۴. پیشنهادهای سیاستی ۵۰

فهرست جداول

- ۱۰- جدول ۱- نرخ تورم از سال ۱۳۹۰ الی اردیبهشت ۱۴۰۵
- ۱۱- جدول ۲- روند تغییرات شاخص قیمت مصرف کننده در ایران از سال ۱۳۹۰ الی اردیبهشت ۱۴۰۵
- ۱۳- جدول ۳- نرخ تورم سالانه بر اساس شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) در کشورهای منتخب، ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴
- جدول ۴- قیمت خردهفروشی اقلام کالاهای مصرفی در هر کشور بر حسب ارز محلی (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ برای ایران و ۲۰۲۵ برای سایر کشورها)
- ۱۶- جدول ۵- میانگین نرخ دلار در سال ۲۰۲۵ در کشورهای منتخب بر اساس منابع بین المللی
- ۱۹- جدول ۶- قیمت خردهفروشی اقلام کالاهای مصرفی در هر کشور بر حسب قیمت واقعی ارز (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵)
- ۱۹- جدول ۷- میانگین ضریب برابری قدرت خرید (PPP) در سال ۲۰۲۵ و ۲۰۲۴ در کشورهای منتخب بر اساس آمار بانک جهانی
- ۲۲- جدول ۸- قیمت خردهفروشی اقلام کالاهای مصرفی در هر کشور بر حسب ضریب برابری قدرت خرید (PPP)
- ۲۳- جدول ۹- قیمت عمدهفروشی اقلام کالاهای منتخب در هر کشور بر حسب ارز محلی (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵)
- ۲۸- جدول ۱۰- قیمت عمدهفروشی اقلام منتخب بر حسب دلار آمریکا به ازای هر تن بر مبنای نرخ ارز بازار، (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵)
- ۳۱- جدول ۱۱- مقایسه حاشیه توزیع کالاهای متناظر عمدهفروشی و خردهفروشی در ایران، عراق و ترکیه (سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵)
- ۳۵- جدول ۱۲- جمع بندی شواهد دلاری شدن هزینه اقلام ضروری در ایران
- ۳۸- جدول ۱۳- چارچوب محاسبه دستمزد ماهانه دلاری در کشورهای منتخب
- ۴۲- جدول ۱۴- قدرت خرید اقلام ضروری بر اساس دستمزد ماهانه دلاری
- ۴۴- جدول ۱۵- شاخص شکاف قیمت دلاری و دستمزد دلاری در سبد منتخب کالاهای ضروری
- ۴۵-

۱- چکیده مدیریتی

گزارش پیش رو با هدف بررسی وضعیت قیمت اقلام ضروری و کالاهای مصرفی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب شامل عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا تهیه شده است. پرسش اصلی گزارش آن است که آیا قیمت کالاهای ضروری در ایران، به ویژه اقلام خوراکی، به سطوح منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده است و در صورت وقوع چنین روندی، آیا درآمد و دستمزد خانوار ایرانی نیز متناسب با آن افزایش یافته است یا خیر.

برای پاسخ به این پرسش، قیمت کالاهای منتخب در چند سطح مورد بررسی قرار گرفته است: نخست، مقایسه قیمت‌های خرده‌فروشی بر حسب ارز محلی؛ دوم، تبدیل قیمت‌ها به دلار آمریکا بر اساس نرخ ارز بازار؛ سوم، تعدیل قیمت‌ها بر اساس برابری قدرت خرید؛ چهارم، مقایسه قیمت‌های عمده‌فروشی کالاهای فله و نهاده‌محور؛ پنجم، تحلیل فاصله میان قیمت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی؛ و در نهایت، سنجش قدرت خرید کالاهای ضروری بر اساس دستمزد ماهانه دلاری در کشورهای منتخب، انجام شده است.

یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که قیمت همه کالاها در ایران جهانی نشده است؛ اما در بخشی از اقلام خوراکی و واردات‌محور، نشانه‌های روشنی از نزدیک شدن قیمت‌ها به سطوح منطقه‌ای و جهانی مشاهده می‌شود. این وضعیت در کالاهایی مانند برنج خارجی، گوشت، حبوبات، چای، روغن نباتی و برخی اقلام وابسته به نهاده‌های وارداتی برجسته‌تر است. در مقابل، حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه همچنان به دلیل قیمت‌گذاری اداری و یارانه‌ای، فاصله قابل توجهی با قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی دارند. بنابراین، جهانی شدن قیمت‌ها در ایران پدیده‌ای عمومی و فراگیر نیست، بلکه نامتوازن، کالامحور و عمدتاً متمرکز بر بخشی از اقلام خوراکی و ضروری است.

نتایج مقایسه دستمزد و قدرت خرید نشان می‌دهد که اگرچه بخشی از قیمت کالاهای ضروری به سطوح منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده است، اما درآمد و دستمزد ایرانیان متناسب با این سطح قیمت‌ها افزایش نیافته است. دستمزد دلاری ایران، حتی بر مبنای حداقل دستمزد رسمی، پایین‌تر از بیشتر کشورهای مورد بررسی است و این در حالی است که قیمت دلاری برخی اقلام خوراکی الزاماً کمتر از این کشورها نیست. به همین دلیل، فشار واقعی قیمت‌ها بر خانوار ایرانی بیش از آن چیزی است که صرفاً از مقایسه قیمت دلاری کالاها برداشت می‌شود.

بررسی قدرت خرید کالاهای ضروری نشان می‌دهد که خانوار ایرانی برای خرید بخشی از اقلام مهم، از جمله گوشت گاو، حبوبات، روغن، شکر و برنج، در مقایسه با بسیاری از کشورهای منتخب با محدودیت بیشتری مواجه است. همچنین محاسبه سبد منتخب چندقلمی نشان می‌دهد که اگرچه هزینه دلاری این سبد در ایران ممکن است از برخی کشورها پایین‌تر باشد، اما سهم آن از دستمزد ماهانه در ایران از همه

کشورهای مورد بررسی بیشتر است. این یافته نشان می‌دهد که مسئله اصلی صرفاً بالا بودن قیمت کالاها نیست، بلکه شکاف میان سطح قیمت اقلام ضروری و سطح دستمزد است. بر اساس نتایج گزارش، منشأ فشار بر قدرت خرید خانوار ایرانی را باید در هم‌زمانی چند عامل جست‌وجو کرد از جمله تورم مزمن، نوسان نرخ ارز، افزایش هزینه نهاده‌ها و واردات، ضعف در زنجیره تأمین و توزیع، عقب‌ماندگی دستمزد واقعی از هزینه‌های ضروری و نامتوازن بودن ساختار حمایت‌های قیمتی و یارانه‌ای. در برخی کالاها، فشار قیمتی از مرحله تأمین، واردات یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود و در برخی دیگر، فاصله میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، هزینه‌های توزیع، بسته‌بندی، واسطه‌گری و حاشیه سود نقش بیشتری دارد. بنابراین، منشأ گرانی کالاها یکسان نیست و سیاست‌گذاری نیز باید کالاهای مختلف را بر اساسی حلقه اصلی فشار قیمتی انجام شود.

پیام سیاستی اصلی گزارش آن است که کاهش فشار بر خانوار ایرانی تنها با کنترل مقطعی قیمت‌ها یا مداخله کوتاه‌مدت در بازار چند قلم کالا امکان‌پذیر نیست. سیاست‌گذاری مؤثر در این حوزه نیازمند رویکردی ترکیبی و هماهنگ است؛ رویکردی که هم‌زمان مهار پایدار تورم، ثبات بخشی به نرخ ارز، اصلاح زنجیره تأمین و توزیع، هدفمند کردن حمایت‌های معیشتی، تقویت نظام پایش قیمت‌ها و حفظ قدرت خرید دستمزد را دنبال کند. بدون چنین رویکردی، شکاف میان قیمت کالاهای ضروری و سطح درآمد خانوار تداوم یافته و فشار بر قدرت خرید خانوار ایرانی به‌صورت پایدار کاهش نخواهد یافت.

۲- پیشگفتار

در سال‌های اخیر، قیمت و تورم کالاهای مصرفی، به‌ویژه اقلام خوراکی، به یکی از اصلی‌ترین کانال‌های انتقال فشار تورمی به خانوارهای ایرانی تبدیل شده است. بر اساس گزارش‌های رسمی مرکز آمار، تورم سالانه شاخص قیمت مصرف‌کننده در پایان سال ۱۴۰۴ به حدود ۷۱.۸ درصد رسیده و در همین دوره، تورم سالانه گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» به حدود ۱۱۲.۷ درصد صعود کرده است؛ به این معنا که قیمت مواد غذایی در فاصله اسفند ۱۴۰۳ تا اسفند ۱۴۰۴ بیش از دو برابر شده است. در اسفند ۱۴۰۴ نیز تورم ماهانه خوراکی‌ها حدود ۸.۶ درصد و برای کل سبد کالا و خدمات ۵.۶ درصد گزارش شده که نشان می‌دهد تورم خوراکی‌ها به‌طور مستمر از متوسط تورم کل جلوتر حرکت کرده است.^۱

در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ فشار هزینه‌ای خوراکی‌ها بر بودجه خانوار به سطوحی رسیده است که در آمار رسمی دهه‌های گذشته سابقه نداشته است. برآوردهای مبتنی بر داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد

^۱ <https://www.didbaniran.ir/>

حداقل هزینه تأمین یک سبد خوراکی حداقلی برای یک خانوار شهری در میانه سال ۱۴۰۴، به سطحی رسیده که از حداقل دستمزد مصوب همان سال فراتر می‌رود و بخش غالب درآمد خانوار را می‌بلعد. در سال ۱۴۰۵ نیز برآوردهای منتشرشده نشان می‌دهد که برای یک خانوار چهار نفره، هزینه سبد خوراکی استاندارد در فروردین به حدود ۸۵ درصد حداقل درآمد خانوار (شامل دستمزد و یارانه کالابریگ) رسیده است، به این معنا که تقریباً تمام ظرفیت دستمزد صرف تأمین خوراک می‌شود و فضای اندکی برای سایر مخارج ضروری باقی می‌ماند.

در گزارش دیگری، هزینه سبد خوراکی اساسی یک خانوار چهار نفره حدود ۱۹.۵ تا ۲۵ میلیون تومان در ماه تخمین زده شده، در حالی که سبد معیشت مصوب و حداقل دستمزد مصوب ۱۴۰۵، فاصله قابل توجهی با این ارقام دارد و برآوردهای رسمی سبد معیشتی کارگران برای سال ۱۴۰۵ را در بازه ۳۳ تا ۳۸ میلیون تومان در ماه قرار داده‌اند. به عبارت دیگر، در بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد، بین دو سوم تا تمام درآمد ماهانه صرف تأمین حداقل سبد خوراکی می‌شود.^۲

چنین وضعیتی نشان می‌دهد که هر جهش قیمتی در گروه خوراکی‌ها، به‌طور مستقیم و با شدت بالا به رفاه خانوارها - به‌ویژه دهک‌های پایین و خانوارهای فاقد پشتوانه مالی - منتقل می‌شود و عملاً امکان پس‌انداز یا پوشش سایر نیازهای حیاتی را محدود می‌کند.^۳

این شرایط در بستر مقایسه‌های بین‌المللی، تصویر نگران‌کننده‌تری پیدا می‌کند. هزینه سبد غذایی در ایران، پس از تبدیل به دلار، در حال نزدیک شدن به هزینه‌های مشابه در برخی کشورهای همسایه و خلیج فارس از جمله ترکیه، امارات و عمان است؛ در حالی که درآمد سرانه و دستمزدهای دلاری در این کشورها چندین برابر ایران است. به‌عنوان نمونه، در یکی از مقایسه‌های رسانه‌ای، اشاره شده که در حالی که درآمد سرانه ترکیه حدود ۶.۷ برابر ایران برآورد شده، قیمت برخی اقلام مانند یک شانه تخم‌مرغ در ترکیه حدود ۲ دلار و در ایران حدود ۲.۳ دلار است، یعنی سطح قیمت این کالای اساسی در ایران حتی اندکی بالاتر از ترکیه است. چنین نمونه‌هایی نشان می‌دهد که مسئله اصلی صرفاً «گرانی اسمی» نیست؛ بلکه شکاف میان سطح قیمت‌ها و سطح درآمد در ایران باعث شده فشار واقعی هزینه‌های خوراکی بر خانوار ایرانی به مراتب سنگین‌تر از بسیاری از همسایگان باشد.^۴

در کنار این واقعیت‌ها، بررسی «تورم دلاری» کالاها، یعنی روند قیمت هر کالا پس از تبدیل به دلار، اهمیت ویژه‌ای برای تحلیل سیاستی دارد. شواهد موجود حاکی از آن است که در برخی اقلام اساسی مانند برنج و گوشت، قیمت دلاری در ایران نسبت به متوسط منطقه‌ای بالاتر است و در سال‌های اخیر

^۲ <https://www.eghtesadonline.com/fa/news/۲۱۰۸۱۰۸/>

^۳ <https://amar.org.ir/statistical-information/statid/۲۸۵۷۹>

^۴ <https://www.shahrekhavar.com/news/۱۷۷۱۵۸۳۵۲۰۱۵۰۳۸>

افزایش قابل توجهی را تجربه کرده است، در حالی که در برخی دیگر از اقلام، رشد قیمت بیشتر ناشی از افت ارزش پول ملی و نوسانات نرخ ارز بوده است. تمایز میان این دو دسته، برای سیاست‌گذار حیاتی است؛ زیرا مشخص می‌کند در کدام موارد باید مداخلات بر اصلاح ساختار هزینه تولید، واردات، و شبکه توزیع متمرکز شود و در کدام موارد مدیریت نوسانات ارزی و سیاست‌های کلان پولی و مالی نقش تعیین‌کننده دارد.

مجموعه این شواهد، نشان می‌دهد که تحلیل تطبیقی قیمت کالاهای مصرفی ایران با کشورهای منتخب، ضرورتی برای طراحی سیاست‌های رفاهی، دستمزدی، ارزی و تجاری محسوب می‌شود.

انتخاب کشورهای مقایسه‌ای در این گزارش با هدف قرار دادن ایران در چارچوبی قابل سنجش و بین‌المللی انجام شده است. در این چارچوب، کشورهای برگزیده شده‌اند که از منظر سطح درآمد سرانه، ساختار اقتصادی (سهم نسبتاً بالای کالاهای خوراکی در سبد مصرف)، و تجربه تورم‌های مزمن یا دوره‌ای، شباهت معناداری با ایران دارند. انتخاب این کشورها امکان می‌دهد روند و شدت افزایش قیمت خوراکی‌ها در ایران در مقایسه با اقتصادهای هم‌تراز ارزیابی شود و مشخص گردد که فشار تورمی وارد بر خانوار ایرانی تا چه حد ناشی از عوامل مشترک جهانی و تا چه حد محصول ویژگی‌های خاص اقتصاد ایران است.

همچنین در گزارش پیش رو، تمایز میان سطح خرده‌فروشی^۵ و عمده‌فروشی^۶ در تحلیل رفتار قیمتی خوراکی‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. خرده‌فروشی به معنای فروش مستقیم کالاهای مصرفی به مصرف‌کننده نهایی، در مقادیر کوچک و برای مصرف خود خانوار است؛ همان چیزی که در ادبیات بازاریابی و زنجیره تأمین، مرحله نهایی عرضه کالا در فروشگاه‌های محلی، سوپرمارکت‌ها و سایر واحدهای خرده‌فروشی تلقی می‌شود. در چنین سطحی، قیمت‌ها مستقیماً بر بودجه خانوار اثر می‌گذارند و هر تغییر قیمتی بلافاصله در قدرت خرید مصرف‌کنندگان منعکس می‌شود.

در مقابل، عمده‌فروشی کالاهای فله‌ای، به فروش مقادیر بزرگ‌تر کالا، عموماً بدون بسته‌بندی کارخانه‌ای و به‌صورت کیلویی یا حجمی، به خرده‌فروشان، واحدهای خدمات غذایی و دیگر بنگاه‌ها اشاره دارد. در این سطح، اقلام فله‌ای مانند برنج، حبوبات، شکر، ادویه، روغن و سایر مواد غذایی پایه، به‌عنوان ورودی زنجیره تأمین خرده‌فروشی عمل می‌کنند و نوسانات قیمت در بازار عمده، با وقفه‌ای کوتاه، به سطح خرده‌فروشی منتقل می‌شود. از این رو، رصد هم‌زمان قیمت‌ها در دو سطح عمده‌فروشی و خرده‌فروشی برای درک سازوکار انتقال تورم خوراکی و نحوه شکل‌گیری قیمت نهایی برای مصرف‌کننده، ضروری است.

^۵ item-level- micodata- item-level price quotes

^۶ unpackaged goods - bulk food

۳- تصویر کلان قیمت و تورم در ایران و کشورهای منتخب

تورم و رفتار شاخص قیمت مصرف‌کننده در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایران تبدیل شده و جایگاه این کشور را در میان اقتصادهای دارای تورم بالا تثبیت کرده است. در این بخش، ابتدا روند تورم در ایران طی حدود یک دهه اخیر بر اساس داده‌های رسمی مرور می‌شود، سپس جایگاه ایران در مقایسه با کشورهای منتخب، تبیین می‌گردد.

۳-۱. روند تورم و شاخص قیمت مصرف‌کننده در ایران

روند تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده CPI^y در ایران نشان می‌دهد که در میانه دهه ۱۳۹۰، پس از یک دوره نسبتاً کوتاه تورم تک‌رقمی، روند تورم بار دیگر صعودی شده و از ابتدای دهه ۱۴۰۰ به‌طور پایدار در سطوح بسیار بالا تثبیت شده است.

بر اساس آمار ارائه شده توسط بانک مرکزی ایران، نرخ تورم سالانه ایران در سال ۱۳۹۵ حدود ۹ درصد بوده است. این نرخ از سال ۱۳۹۷ به‌بعد، هم‌زمان با تشدید تحریم‌ها، جهش نرخ ارز و افزایش انتظارات تورمی، به‌طور محسوس افزایش یافته و در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ عمدتاً در محدوده ۴۰ تا بالای ۵۰ درصد قرار داشته است. گزارش‌های تحلیلی مبتنی بر داده‌های رسمی نشان می‌دهد که تورم سالانه در برخی از این سال‌ها به حدود ۵۰ درصد و بالاتر رسیده و در نتیجه، ایران برای دومین بار پس از میانه دهه ۱۳۷۰، تورم نزدیک به ۵۰ درصد را تجربه کرده است.

^y شاخص قیمت مصرف‌کننده-Consumer Price Index

جدول ۱- نرخ تورم از سال ۱۳۹۰ الی اردیبهشت ۱۴۰۵^۸

سال	نرخ تورم	سال	نرخ تورم
۱۳۹۰	۲۱.۵	۱۴۰۰	۴۶.۲
۱۳۹۱	۳۰.۵	۱۴۰۱	۵۳.۱
۱۳۹۲	۳۴.۷	۱۴۰۲	۴۷.۴
۱۳۹۳	۱۵.۶	۱۴۰۳	۳۵.۸
۱۳۹۴	۱۱.۹	۱۴۰۴	۴۸.۳
۱۳۹۵	۹.۰	۱۴۰۵ (میانگین فروردین و اردیبهشت)	۵۲.۲
۱۳۹۶	۹.۶	-	-
۱۳۹۷	۳۱.۲	-	-
۱۳۹۸	۴۱.۲	-	-
۱۳۹۹	۴۷.۱	-	-

نرخ تورم نقطه‌ای یا سالانه در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ اگرچه به‌طور موقت به سطوح حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد نزدیک شده، اما از اواخر ۱۴۰۴ و اوایل ۱۴۰۵ مجدداً روند صعودی به خود گرفته است. گزارش صندوق بین‌المللی پول و برخی مراجع تحلیلی مستقل نشان می‌دهد که تورم سالانه ایران در آخرین برآوردها به حدود ۶۸.۹ درصد رسیده است؛ رقمی که ایران را پس از ونزوئلا و سودان، در جایگاه سومین کشور با بالاترین نرخ تورم سالانه در جهان قرار می‌دهد^۹.

این روند به معنای آن است که شاخص قیمت مصرف‌کننده در ایران طی فاصله نسبتاً کوتاهی چندین برابر شده و قدرت خرید درآمدهای اسمی خانوارها به‌طور مستمر تضعیف شده است. تورم در ایران نه یک پدیده مقطعی، بلکه نتیجه ترکیب عواملی همچون رشد بالای نقدینگی، ناترازی بودجه دولت، شوک‌های مکرر ارزی و بی‌ثباتی انتظارات است.

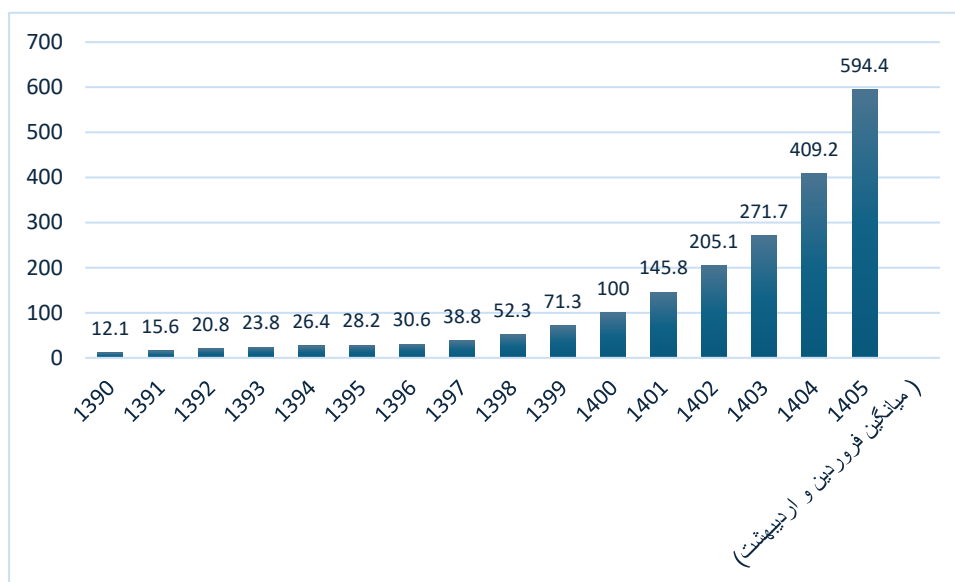
^۸ https://cbi.ir/Inflation/Inflation_FA.aspx

^۹ <https://digiato.com/finance-investment/inflation-world-economic-outlook-april-۲۰۲۶>

جدول ۲- روند تغییرات شاخص قیمت مصرف کننده در ایران از سال ۱۳۹۰ الی اردیبهشت ۱۴۰۵^۱

شاخص قیمت مصرف کننده در ایران	سال	شاخص قیمت مصرف کننده در ایران	سال
۵۲.۳	۱۳۹۸	۱۲.۱	۱۳۹۰
۷۱.۳	۱۳۹۹	۱۵.۶	۱۳۹۱
۱۰۰	۱۴۰۰	۲۰.۸	۱۳۹۲
۱۴۵.۸	۱۴۰۱	۲۳.۸	۱۳۹۳
۲۰۵.۱	۱۴۰۲	۲۶.۴	۱۳۹۴
۲۷۱.۷	۱۴۰۳	۲۸.۲	۱۳۹۵
۴۰۹.۲	۱۴۰۴	۳۰.۶	۱۳۹۶
۵۹۴.۴	۱۴۰۵ (میانگین فروردین و اردیبهشت)	۳۸.۸	۱۳۹۷

نمودار ۱- روند تغییرات شاخص قیمت مصرف کننده در ایران از سال ۱۳۹۰ الی اردیبهشت ۱۴۰۵



جدول ۲ و نمودار ۱ نشان می دهند شاخص قیمت مصرف کننده در ایران طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۵ رشدی کاملاً شتاب گیر و فزاینده داشته است. شاخص از ۱۲.۱ در سال ۱۳۹۰ به ۱۰۰ در سال ۱۴۰۰ می رسد،

^۱ <https://amar.org.ir/statistical-information/statid/۲۸۵۹۵>

یعنی سطح قیمت‌ها طی ده سال حدوداً بیش از ۸ برابر شده است. در عین حال، از ۱۴۰۰ به بعد، شیب افزایش بسیار تندتر می‌شود؛ شاخص از ۱۰۰ در ۱۴۰۰ به ۱۴۵.۸ در ۱۴۰۱، سپس ۲۰۵.۱ در ۱۴۰۲ و ۲۷۱.۷ در ۱۴۰۳ می‌رسد که نشان‌دهنده تورم‌های بالا و تقریباً پیاپی در سه سال متوالی است. جهش اصلی در ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ رخ می‌دهد؛ شاخص از ۴۰۹.۲ در ۱۴۰۴ به ۵۹۴.۴ (میانگین فروردین و اردیبهشت) در ۱۴۰۵ می‌رسد، یعنی تنها در یک سال حدود ۴۵ درصد دیگر به سطح عمومی قیمت‌ها اضافه شده و در نتیجه نسبت به ۱۳۹۰، قیمت‌ها نزدیک به ۵۰ برابر شده‌اند. این روند حاکی از آن است که تورم در ایران نه تنها یک پدیده موقتی نبوده، بلکه در دهه ۱۴۰۰ به یک تورم مزمن و پرشتاب تبدیل شده که فشار شدیدی بر قدرت خرید خانوارها وارد می‌کند.

۳-۲. مقایسه روند تورم در ایران و مقایسه با کشورهای عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا

بر اساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، ایران در سال‌های اخیر جزو کشورهای با بالاترین نرخ تورم در جهان بوده است. برای سال‌های ۲۰۲۴-۲۰۲۵، پیش‌بینی‌ها و گزارش‌ها تورم ایران را در بازه حدود ۳۰ تا بیش از ۴۰ درصد قرار داده‌اند، در حالی که میانگین تورم کشورهای در حال توسعه در حدود ۵ تا ۶ درصد بوده است.^{۱۱}

در مقابل، کشورهای مورد مقایسه (عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا) عموماً تورم‌های تک‌رقمی یا دو رقمی پایین داشته‌اند؛ جدول زیر با توجه به آمار ارائه شده از نرخ تورم سالانه بر اساس شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI)، تهیه شده است.

^{۱۱} <https://donya-e-eqtasad.com/b/۳۸۰۶۷۲۹>

جدول ۳- نرخ تورم سالانه بر اساس شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) در کشورهای منتخب، ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴^{۱۲}

ایران	عراق	پاکستان	ترکیه	هند	چین	ایتالیا	
۲۶.۲	۵.۸	۱۱.۹	۶.۴	۸.۹	۵.۵	۲.۷	۲۰۱۱
۲۷.۲	۶	۹.۶	۸.۸	۹.۴	۲.۶	۳	۲۰۱۲
۳۶.۶	۱.۸	۷.۶	۷.۴	۱۰	۲.۶	۱.۲	۲۰۱۳
۱۶.۶	۲.۲	۷.۱	۸.۸	۶.۶	۱.۹	۰.۲	۲۰۱۴
۱۲.۴	۱.۳	۲.۵	۷.۶	۴.۹	۱.۴	۰.۰۳	۲۰۱۵
۷.۲	۰.۵	۳.۷	۷.۷	۴.۹	۲.۰	-۰.۰۹	۲۰۱۶
۸	۰.۱	۴	۱۱.۱	۳.۳	۱.۵	۱.۲	۲۰۱۷
۱۸	۰.۳	۵	۱۶.۳	۳.۹	۲.۰	۱.۳	۲۰۱۸
۳۹.۹	-۰.۱	۱۰.۵	۱۵.۱	۳.۷	۲.۸	۰.۶	۲۰۱۹
۳۰.۵	۰.۵	۹.۷	۱۲.۲	۶.۶	۲.۴	-۰.۱	۲۰۲۰
۴۳.۳	۶	۹.۴	۱۹.۵	۵.۱	۰.۹	۱.۸	۲۰۲۱
۴۳.۴	۴.۹	۱۹.۸	۷۲.۳	۶.۶	۱.۹	۸.۲	۲۰۲۲
۴۴.۵	۴.۳	۳۰.۷	۵۳.۸	۵.۶	۰.۲	۵.۶	۲۰۲۳
۳۲.۴	۱۳ ۲.۶	۱۲.۶	۸۵.۵	۴.۹	۰.۲	۰.۹	۲۰۲۴

^{۱۲} <https://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL.ZG>

^{۱۳} <https://www.focus-economics.com/country-indicator/iraq/inflation>

داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که ایران در دوره ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴، در مقایسه با کشورهای منتخب، یکی از پایدارترین و مزمین‌ترین سطوح تورم بالا را تجربه کرده است. نرخ تورم ایران در اغلب سال‌های مورد بررسی دو رقمی بوده و پس از یک دوره کاهش نسبی در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷، از سال ۲۰۱۸ به بعد مجدداً وارد سطوح بسیار بالا شده است. تورم ۳۹.۹ درصدی در سال ۲۰۱۹، ۴۳.۳ درصدی در سال ۲۰۲۱، ۴۳.۴ درصدی در سال ۲۰۲۲ و ۴۴.۵ درصدی در سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با تورم مزمین و پرشتاب مواجه بوده است. هرچند نرخ تورم در سال ۲۰۲۴ به ۳۲.۴ درصد کاهش یافته، اما همچنان فاصله معناداری با تورم بیشتر کشورهای منتخب دارد.

در میان کشورهای مورد مقایسه، ترکیه تنها کشوری است که در سال‌های اخیر تورمی بالاتر از ایران را تجربه کرده است. نرخ تورم ترکیه از ۱۹.۵ درصد در سال ۲۰۲۱ به ۷۲.۳ درصد در سال ۲۰۲۲ و ۸۵.۵ درصد در سال ۲۰۲۴ رسیده است. این روند نشان می‌دهد که ترکیه در سال‌های اخیر با یک موج شدید تورمی مواجه بوده، اما تفاوت آن با ایران در این است که تورم بالا در ایران سابقه‌ای طولانی‌تر و مزمین‌تر دارد، در حالی که جهش تورمی ترکیه بیشتر در سال‌های اخیر متمرکز شده است.

پاکستان نیز در برخی سال‌ها با تورم نسبتاً بالا مواجه بوده است؛ به‌ویژه در سال ۲۰۲۳ که نرخ تورم این کشور به ۳۰.۷ درصد رسید. با این حال، تورم پاکستان در بیشتر سال‌های جدول پایین‌تر از ایران بوده و شدت و تداوم تورم در آن با ایران قابل مقایسه نیست. در مورد عراق، داده‌های جدول نشان می‌دهد که نرخ تورم این کشور در بیشتر سال‌های مورد بررسی در سطحی پایین و عمدتاً تک‌رقمی قرار داشته است. تورم عراق در برخی سال‌ها مانند ۲۰۱۹ نزدیک به صفر یا منفی بوده، اما در سال‌های بعد نیز به‌طور کلی در سطوحی بسیار پایین‌تر از ایران باقی مانده است. حتی با ثبت تورم ۲.۶ درصدی در سال ۲۰۲۴، فاصله تورمی عراق با ایران همچنان قابل توجه است؛ این تفاوت نشان می‌دهد که برخلاف ایران، تورم در عراق طی دوره مورد بررسی ماهیتی مزمین و پرشتاب نداشته و عمدتاً در محدوده قابل کنترل باقی مانده است. در اقتصادهای بزرگ آسیایی، یعنی هند و چین، الگوی تورمی به‌مراتب باثبات‌تر است. تورم هند در بیشتر سال‌ها در محدوده تک‌رقمی قرار داشته و حتی در سال‌های دارای فشار قیمتی نیز از سطح تورم ایران فاصله زیادی داشته است. چین نیز باثبات‌ترین وضعیت را در میان کشورهای منتخب نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که نرخ تورم این کشور در اغلب سال‌ها بین صفر تا حدود ۳ درصد نوسان کرده است. این وضعیت بیانگر آن است که ثبات قیمتی در چین نسبت به سایر کشورهای منتخب، به‌ویژه ایران و ترکیه، بسیار بیشتر بوده است.

ایتالیا هم به‌عنوان یک اقتصاد عضو منطقه یورو، در بیشتر سال‌های جدول تورم پایین و نزدیک به هدف تورمی اقتصادهای پیشرفته داشته است. تنها در سال ۲۰۲۲، هم‌زمان با شوک‌های جهانی انرژی و

پیامدهای دوره پساکرونا، تورم ایتالیا به ۸.۲ درصد افزایش یافته، اما در سال‌های بعد کاهش یافته و در سال ۲۰۲۴ به ۰.۹ درصد رسیده است. این روند نشان می‌دهد که شوک تورمی در ایتالیا عمدتاً مقطعی بوده و به تورم مزمن تبدیل نشده است.

در مجموع، جدول ۳ نشان می‌دهد که مسئله تورم در ایران، برخلاف بسیاری از کشورهای منتخب، ماهیتی ساختاری و پایدار دارد. به جز ترکیه در سال‌های اخیر، هیچ‌یک از کشورهای مورد بررسی به‌طور مستمر تورم‌هایی در سطح ایران را تجربه نکرده‌اند. این تفاوت نشان می‌دهد که فشار قیمتی وارد بر خانوار ایرانی صرفاً ناشی از شوک‌های جهانی یا افزایش قیمت کالاهای وارداتی نیست، بلکه ریشه در بی‌ثباتی‌های داخلی اقتصاد کلان، نوسانات نرخ ارز، رشد هزینه‌های تولید و ضعف سازوکارهای مهار پایدار تورم دارد. از این رو، تحلیل قیمت کالاهای مصرفی در ایران باید در بستر تورم مزمن و کاهش مستمر قدرت خرید خانوار بررسی شود.

۴- مقایسه خرده‌فروشی کالاهای مصرفی

۴-۱. انتخاب اقلام مصرفی برای مقایسه

برای مقایسه اقلام مصرفی در بازار خرده‌فروشی در کشورهای هدف، اقلام جدول زیر انتخاب شده‌اند که امکان دسترسی به آمار در آنها به نسبت بیشتر بوده است.

جدول ۴- قیمت خرده‌فروشی اقلام کالاهای مصرفی در هر کشور بر حسب ارز محلی (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ برای ایران و ۲۰۲۵ برای سایر کشورها)

ردیف	اقلام	واحد	ایران ^{۱۴} (ریال-IRR)	عراق (دینار-IQD) ^{۱۵}	پاکستان (روپیه-PKR) ^{۱۶}	ترکیه (لیر-TRY) ^{۱۷}	هند (روپیه-INR) ^{۱۸}	چین (یوان-CNY) ^{۱۹}	ایتالیا (یورو-EUR)
۱	برنج خارجی درجه ۱	۱ کیلو	۱,۳۱۰,۰۷۳	۲,۰۰۰	۲۵۰	۸۰	۶۱	۶۵	۲۶
۲	نان سفید	۵۰۰ گرم	۵۰۰,۰۰۰	۱,۰۵۰	۱۸۰	۴۰	۴۴	۱۱.۲	۲.۱
۳	گوشت گاو	۱ کیلو	۸,۷۰۶,۵۲۹	۱۶,۵۰۰	۲,۲۰۰	۷۵۰	۵۰۰	۷۶	۱۷.۹
۴	گوشت مرغ	۱ کیلو	۱,۴۶۹,۸۱۸	۵,۶۰۰	۷۰۰	۱۵۰	۲۶۸	۲۳	۱۱
۵	تخم‌مرغ	۱۲ عدد	۲۰۷۸۰,۰۰۰	۲,۳۰۰	۳۶۰	۹۰	۸۵	۱۱	۳.۷
۶	شیر	۱ لیتر	۶۰۸,۴۲۴	۱,۵۵۰	۲۲۰	۴۵	۶۱	۱۲	۱.۴
۷	ماست	۱ کیلو	۸۵۴,۷۴۰	۲,۵۰۰	۲۶۰	۷۰	۱۱۰	۲۳	۳
۸	پنیر	۵۰۰ گرم	۱,۱۲۴,۸۷۳	۳,۰۷۵	۶۰۰	۱۷۵	۲۲۱	۸۹	۷.۵
۹	روغن نباتی	۱ لیتر	۱,۲۳۵,۴۱۱	۲,۷۰۰	۵۰۰	۱۱۵	۱۷۵	۱۹	۳.۵
۱۰	شکر	۱ کیلو	۷۰۴,۳۲۰	۱,۲۵۰	۱۸۰	۴۷	۵۳	۱۰	۲
۱۱	قند	۱ کیلو	۹۳۶,۲۵۸	۱,۴۵۰	۲۰۰	۴۷	۵۸	۱۲	۲.۴
۱۲	حبوبات (لوبیا چیتی)	۱ کیلو	۴,۱۷۶,۳۸۲	۲,۲۰۰	۵۰۰	۱۰۰	۱۵۵	۱۴	۳.۵
۱۳	چای خارجی	۵۰۰ گرم	۵,۳۸۸,۹۹۹	۳,۷۵۰	۲,۰۰۰	۲۶۲.۵	۴۰۰	۳۰۰	۱۲.۵
۱۴	ماکارانی	۵۰۰ گرم	۳۱۸,۲۹۵	۷۵۰	۱۳۵	۲۰	۵۵	۷	۴.۳
۱۵	سبزی و صیفی‌جات	۱ کیلو	۴۱۹,۲۷۶	۸۹۰	۱۵۰	۳۵	۴۷	۸.۶	۲.۹

^{۱۴} <https://amar.org.ir/statistical-information/statid/۲۲۴۲۸>

^{۱۵} <https://trek.zone/en/iraq/prices>

^{۱۶} https://www.pbs.gov.pk/wp-content/uploads/۲۰۲۰/۰۷/Execuctive-Summary-SPI-Report_۱۸,۱۲,۲۰۲۵.pdf

^{۱۷} https://www.numbeo.com/cost-of-living/country_result.jsp?country=Turkey

^{۱۸} https://www.numbeo.com/food-prices/country_result.jsp?country=India

^{۱۹} https://www.numbeo.com/food-prices/country_result.jsp?country=China

^{۲۰} هر تخم مرغ ۶۵۰۰ ریال بوده است و هر یک کیلو ۱۸ تخم مرغ محاسبه شده است.

								(گوجه فرنگی)	
۱۶	میوه پرمصرف (سیب درختی)	۱ کیلو	۱,۱۶۸,۸۸۲	۱,۳۵۰	۳۲۰	۴۸	۱۸۲	۱۲.۶	۲.۳
۱۷	نوشابه	۱.۵ لیتری	۴۲۴,۶۰۸	۸۵۰	۲۴۰	۳۸	۹۰	۹	۴.۲
۱۸	بنزین	۱ لیتر	۱۵,۰۰۰	۲۱ ۸۵۰	۲۸۵	۲۲ ۵۰	۱۰۳	۸	۱.۸
۱۹	برق خانگی	۱ کیلووات ساعت	۵,۵۰۰	۷۵	۲۳ ۵۰	۳	۸	۰.۶	۰.۳
۲۰	اینترنت	۱ گیگ	۵۰,۰۰۰	۱۰۰۰	۱۴۰	۱۴	۱۸	۶.۵	۱.۳

داده‌های جدول ۴، تصویر روشنی از «تاهمگونی شدید» ساختار قیمت‌ها در ایران نسبت به شش کشور دیگر ارائه می‌دهد. از یک طرف، در اغلب خوراکی‌های اصلی مثل برنج خارجی، گوشت گاو، گوشت مرغ، حبوبات، لبنیات و روغن، سطح قیمت اسمی در ایران به‌طور محسوسی بالاتر از عراق، پاکستان، هند و حتی در مواردی ترکیه است؛ یعنی اگر این قیمت‌ها را با نرخ واقعی ارز به دلار تبدیل کنیم، مصرف‌کننده ایرانی برای هر واحد از بسیاری اقلام خوراکی، دلاری بیشتر از بسیاری همسایگان می‌پردازد. در مقابل، در سبد انرژی و زیرساخت (بنزین، برق و تا حدی اینترنت)، ایران به‌طور غیرعادی ارزان‌تر است و فاصله چشمگیری با سایر کشورها دارد؛ بنزین و برق در ایران چندین برابر ارزان‌تر از سطح قیمتی معمول در اقتصادهای مشابه یا پیشرفته‌اند، که روشن‌کننده شدت یارانه‌های پنهان و آشکار در این بخش‌هاست.

ترکیب این دو الگو نشان می‌دهد که ساختار قیمت نسبی در ایران به‌هم‌ریخته و دوگانه است: کالاهای پر اهمیتی که مصرف روزانه و تغذیه را شکل می‌دهند، برای یک خانوار ایرانی «گران» شده‌اند، در حالی که انرژی به‌شدت ارزان است و انگیزه‌ای برای صرفه‌جویی و بهره‌وری بالا ایجاد نمی‌کند. از نظر رفاهی، این یعنی بخش بزرگی از بودجه خانوار صرف خوراک و کالای اساسی با قیمت بالاتر از منطقه می‌شود، در شرایطی که دستمزدها و درآمدها هم‌سطح کشورهای گران‌تر نیستند و از نظر کلان، یعنی یارانه سنگین انرژی، هم بودجه دولت را تحت فشار قرار می‌دهد، هم از طریق رشد نقدینگی و تورم، دوباره به شکل افزایش قیمت همین کالاهای خوراکی به خانوار بازمی‌گردد.

^{۲۱} <https://trek.zone/en/iraq/prices>

^{۲۲} <https://trek.zone/en/turkey/prices>

^{۲۳} <https://reliefweb.int/report/pakistan/pakistan-market-monitor-report-may-۲۰۲۰>

۴-۲. تحلیل بر اساس نرخ ارز واقعی بازار (FX۲۴) در سال ۲۰۲۵

در این گزارش، برای تبدیل قیمت‌های خرده‌فروشی به دلار آمریکا از میانگین سالانه نرخ ارز هر کشور در سال ۲۰۲۵ استفاده شده است. این میانگین‌ها از آمار رسمی نهادهای بین‌المللی (از جمله بانک جهانی و بانک‌های مرکزی) استخراج شده و بیانگر نرخ‌های اسمی برابری ارز در بازار طی سال مذکور هستند.

در مورد ایران، با توجه به وجود نظام چندنرخ ارز، تبدیل قیمت‌های ریالی به دلار در این مطالعه بر مبنای برآورد میانگین نرخ ارز بازار آزاد در سال ۲۰۲۵ انجام شده است؛ زیرا این نرخ بیشترین ارتباط را با رفتار واقعی قیمت‌گذاری در بازار خرده‌فروشی و تصمیمات مصرف‌کنندگان دارد و از این رو برای تحلیل مقایسه‌ای سطح قیمت‌ها مناسب‌تر ارزیابی می‌شود. با این حال، نتایج حاصل از تبدیل قیمت‌ها بر اساس نرخ ارز آزاد باید با احتیاط تفسیر شود؛ زیرا وجود نرخ‌های ترجیحی و حمایتی برای بخشی از کالاهای اساسی، نهادهای وارداتی و برخی فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شود قیمت دلاری مشاهده‌شده لزوماً بازتاب‌دهنده هزینه واقعی تولید، بهره‌وری یا مزیت رقابتی اقتصاد ایران نباشد.

در نتیجه، پایین بودن قیمت دلاری برخی کالاها، به‌ویژه حامل‌های انرژی و اقلامی که از حمایت‌های مستقیم یا غیرمستقیم برخوردارند، بیش از آنکه ناشی از مزیت ساختاری و پایدار اقتصادی باشد، بازتاب سیاست‌های یارانه‌ای، تخصیص ارزی و مداخلات قیمتی است. در مقابل، قیمت دلاری برخی کالاهای خوراکی و صنعتی نیز تحت تأثیر تورم داخلی، افزایش هزینه نهاده‌ها و نوسانات ارزی، در سطوحی قرار گرفته است که در مواردی با کشورهای منطقه و حتی برخی اقتصادهای توسعه‌یافته قابل مقایسه است.

میانگین قیمت دلار در سال ۲۰۲۵ که برای تبدیل قیمت‌ها در این گزارش استفاده شده است به شرح زیر می‌باشد:^{۲۵}

^{۲۴} Foreign Exchange Rate

^{۲۵} <https://www.federalreserve.gov/releases/goa/> نرخ‌های استفاده‌شده نرخ‌های میانگین قابل اتکا برای تحلیل اقتصادی هستند.

جدول ۵- میانگین نرخ دلار در سال ۲۰۲۵ در کشورهای منتخب بر اساس منابع بین‌المللی

کشور	ارز محلی	میانگین نرخ ۱ دلار در سال ۲۰۲۵ ^{۲۶}
ایران	IRR	۹۰۰,۰۰۰
عراق	IQD	۱,۳۰۹
پاکستان	PKR	۲۷۸
ترکیه	TRY	۳۹
هند	INR	۸۵,۵
چین	CNY	۷,۲
ایتالیا	EUR	۰,۹۲

قیمت اقلام بر حسب قیمت واقعی ارز (دلار) از طریق فرمول زیر محاسبه شده است:

$$\text{قیمت به ارز محلی کشور} = \frac{\text{قیمت بر حسب دلار واقعی}}{\text{قیمت دلار در همان کشور}}$$

جدول ۶- قیمت خرده‌فروشی اقلام کالاهای مصرفی در هر کشور بر حسب قیمت واقعی ارز (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵)

ردیف	اقلام	واحد	ایران	عراق	پاکستان	ترکیه	هند	چین	ایتالیا
۱	برنج خارجی درجه ۱	۱ کیلو	۱,۴۶	۱,۵۳	۰,۹۰	۲,۰۵	۰,۷۱	۰,۹۰	۲,۸۳
۲	نان سفید	۵۰۰ گرم	۰,۵۶	۰,۸۰	۰,۶۵	۱,۰۳	۰,۵۱	۱,۵۶	۲,۲۸
۳	گوشت گاو	۱ کیلو	۹,۶۷	۱۲,۶۱	۷,۹۱	۱۹,۲۳	۵,۸۵	۱۰,۵۶	۱۹,۴۶
۴	گوشت مرغ	۱ کیلو	۱,۶۳	۴,۲۸	۲,۵۲	۳,۸۵	۳,۱۳	۳,۱۹	۱۱,۹۶
۵	تخم مرغ	۱۲ عدد	۰,۸۷	۱,۷۶	۱,۲۹	۲,۳۱	۰,۹۹	۱,۵۳	۴,۰۲
۶	شیر	۱ لیتر	۰,۶۸	۱,۱۸	۰,۷۹	۱,۱۵	۰,۷۱	۱,۶۷	۱,۵۲
۷	ماست	۱ کیلو	۰,۹۵	۱,۹۱	۰,۹۳	۱,۷۹	۱,۲۹	۳,۱۹	۳,۲۶
۸	پنیر	۵۰۰ گرم	۱,۲۵	۲,۳۵	۲,۱۶	۴,۴۹	۲,۵۹	۱۲,۳۶	۸,۱۵
۹	روغن نباتی	۱ لیتر	۱,۳۷	۲,۰۶	۱,۷۹	۲,۹۵	۲,۰۵	۲,۶۴	۳,۸۰
۱۰	شکر	۱ کیلو	۰,۷۸	۰,۹۶	۰,۶۵	۱,۲۱	۰,۶۲	۱,۳۹	۲,۱۷

^{۲۶} <https://data.worldbank.org/indicator/PA.NUS.FCRF>

۲۶۱	۱۶۷	۰۶۸	۱۲۱	۰۷۲	۱۱۱	۱۰۴	۱ کیلو	قند	۱۱
۳۸۰	۱۹۴	۱۸۱	۲۵۶	۱۸۰	۱۶۸	۴۶۴	۱ کیلو	حبوبات (لوبیا چیتی)	۱۲
۱۳۵۹	۴۱۶۷	۴۶۸	۶۷۳	۷۱۹	۲۸۶	۵۹۹	۵۰۰ گرم	چای خارجی	۱۳
۴۶۷	۰۹۷	۰۶۴	۰۵۱	۰۴۹	۰۵۷	۰۳۵	۵۰۰ گرم	ماکارانی	۱۴
۳۱۵	۱۱۹	۰۵۵	۰۹۰	۰۵۴	۰۶۸	۰۴۷	۱ کیلو	سبزی و صیفی جات (گوجه فرنگی)	۱۵
۲۵۰	۱۷۵	۲۱۳	۱۲۳	۱۱۵	۱۰۳	۱۳۰	۱ کیلو	میوه پرمصرف (سیب درختی)	۱۶
۴۵۷	۱۲۵	۱۰۵	۰۹۷	۰۸۶	۰۶۵	۰۶۸	۱۵ لیتری	نوشابه	۱۷
۱۹۶	۱۱۱	۱۲۱	۱۲۸	۱۰۲	۰۶۵	۰۰۲	۱ لیتر	بنزین	۱۸
۰۳۳	۰۰۸	۰۰۹	۰۰۸	۰۱۸	۰۰۵۷	۰۰۰۶	۱ کیلووات ساعت	برق خانگی	۱۹
۱۴۱	۰۹۰	۰۱۹	۰۳۶	۰۵۰	۰۷۶	۰۰۵۶	۱ گیگ	اینترنت	۲۰

بر اساس نتایج جدول شماره ۶، تحلیل قیمت‌های دلاری مبتنی بر نرخ ارز بازار (FX) در سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که سطح قیمت کالاها در کشورهای مختلف به‌طور معناداری تحت تأثیر ساختار اقتصادی، سطح درآمد، سیاست‌های ارزی، یارانه‌ها و هزینه‌های تولید قرار دارد و صرفاً بازتاب تفاوت در بهره‌وری اقتصادی نیست.

در کشورهای با درآمد بالا مانند ایتالیا، سطح قیمت دلاری اکثر کالاها در مقایسه با سایر کشورها بالاتر است. این وضعیت عمدتاً ناشی از هزینه بالاتر نیروی کار، سطح بالای مالیات‌ها، استانداردهای تولید و توزیع، و ساختار خدمات‌محور اقتصاد است. در این کشورها قیمت‌ها بیشتر بر اساس سازوکار بازار و هزینه‌های واقعی تولید تعیین می‌شوند و مداخلات قیمتی دولت نقش محدودتری دارد.

در مقابل، کشورهایی مانند هند و پاکستان در اغلب کالاهای مصرفی دارای پایین‌ترین سطح قیمت دلاری هستند. این موضوع بیشتر ناشی از سطح پایین‌تر دستمزدها، ساختار هزینه تولید، و سطح عمومی درآمد در این اقتصادهاست و لزوماً بیانگر مزیت رقابتی فناورانه یا بهره‌وری بالاتر نیست، بلکه منعکس‌کننده اقتصادهای کم‌درآمد با هزینه‌های اسمی پایین‌تر است.

در چین، الگوی قیمت‌ها نسبتاً متعادل و پایدار مشاهده می‌شود. این وضعیت حاصل ترکیب بهره‌وری بالای تولید، مقیاس گسترده صنعتی، مدیریت زنجیره تأمین و ساختار نسبتاً کارآمد تولید است. در نتیجه، چین در بسیاری از اقلام در موقعیتی میانی میان اقتصادهای کم‌درآمد و کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌گیرد. در ترکیه، ساختار قیمت‌ها تحت تأثیر نوسانات نرخ ارز و فشارهای تورمی قرار دارد. این امر باعث شده است که قیمت دلاری برخی کالاها در این کشور به سطح کشورهای با درآمد بالاتر نزدیک شود، در حالی که قدرت خرید داخلی در سطح پایین‌تری قرار دارد. در نتیجه، شکاف میان قیمت دلاری و رفاه واقعی خانوار قابل توجه است.

در مورد ایران، نتایج نشان می‌دهد که تصویر قیمت‌ها در چارچوب نرخ ارز بازار (FX) ترکیبی از دو اثر متفاوت و هم‌زمان است. از یک سو، در برخی اقلام خوراکی و پروتئینی، ایران در مقایسه با کشورهایی مانند هند و پاکستان لزوماً در سطح پایین‌تری قرار ندارد و در برخی موارد فاصله قیمتی کاهش یافته یا حتی قیمت‌ها در سطحی نزدیک به کشورهای با درآمد متوسط مشاهده می‌شود. این امر نشان می‌دهد که مزیت قیمتی ایران در بخش کالاهای خوراکی یکنواخت نیست و در برخی اقلام وابسته به واردات یا نهاده‌های جهانی محدود یا حتی منفی است.

در مقابل، حامل‌های انرژی (به‌ویژه بنزین و برق) در ایران به‌طور قابل‌توجهی پایین‌تر از سطح قیمت در سایر کشورهای مورد بررسی قرار دارند. این شکاف قیمتی عمدتاً ناشی از سیاست‌های یارانه‌ای گسترده و قیمت‌گذاری اداری است و به‌عنوان یک مزیت رقابتی پایدار قابل تفسیر نیست. از منظر تحلیل سیاستی، این وضعیت می‌تواند به افزایش مصرف داخلی انرژی و ایجاد مزیت‌های صادراتی مبتنی بر یارانه در صنایع انرژی‌بر منجر شود، هرچند این مزیت ماهیتی پایدار و مبتنی بر بهره‌وری ندارد و به‌شدت وابسته به ساختار سیاست‌های قیمتی است.

به‌طور کلی، بررسی مبتنی بر نرخ ارز بازار (FX) نشان می‌دهد که تفاوت قیمت کالاها میان کشورها صرفاً ناشی از سطح بهره‌وری تولید نیست، بلکه تحت تأثیر مستقیم نرخ ارز، سیاست‌های یارانه‌ای، ساختار هزینه نیروی کار و مداخلات قیمتی دولت‌ها قرار دارد. در این چارچوب، ایران در حوزه انرژی دارای قیمت‌های به‌شدت یارانه‌ای و در برخی اقلام خوراکی دارای قیمت‌های نزدیک به کشورهای کم‌درآمد است، در حالی که در برخی کالاهای وارداتی یا وابسته به نهاده‌های خارجی، سطح قیمت دلاری به کشورهای متوسط نزدیک می‌شود. با این حال، تحلیل مبتنی بر نرخ ارز بازار صرفاً بیانگر قیمت‌های اسمی است و توان خرید واقعی خانوارها را منعکس نمی‌کند. به همین دلیل، برای ارزیابی دقیق‌تر رفاه اقتصادی و قدرت خرید، لازم است نتایج این بخش

با شاخص برابری قدرت خرید (PPP)^{۲۷} یا نسبت قیمت به درآمد تکمیل شود تا اثر تفاوت سطح درآمد، یارانه‌ها و ساختار هزینه‌های داخلی اصلاح گردد و تصویر واقعی‌تری از رفاه اقتصادی و رقابت‌پذیری کشورها ارائه شود.

۳-۴. تحلیل بر اساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP)

در تکمیل تحلیل قیمت‌ها، در این بخش از رویکرد برابری قدرت خرید (PPP) استفاده می‌شود تا قیمت خرده‌فروشی کالاهای منتخب با در نظر گرفتن سطح عمومی قیمت‌ها و هزینه زندگی در کشورهای مختلف مقایسه گردد. بر اساس برآوردهای بانک جهانی، ضرایب برابری قدرت خرید نشان می‌دهند که چه مقدار از هر واحد پول داخلی معادل قدرت خرید یک «دلار بین‌المللی» است؛ این ضرایب به گونه‌ای طراحی شده‌اند که اثر تفاوت سطح قیمت‌ها و هزینه زندگی میان کشورها را تعدیل کرده و امکان مقایسه واقع‌بینانه‌تر رفاه و قدرت خرید را فراهم کنند.

ضریب برابری قدرت خرید (PPP) مورد استفاده در این گزارش بر اساس آخرین داده‌های منتشرشده بانک جهانی برای شاخص PA.NUS.PRVT.PP (برابری قدرت خرید مصرف خصوصی) استخراج شده است. از آنجا که برای برخی کشورها داده سال ۲۰۲۵ و برای برخی دیگر صرفاً داده سال ۲۰۲۴ در دسترس بوده، برای هر کشور آخرین سال موجود به کار گرفته شده است.

جدول ۷- میانگین ضریب برابری قدرت خرید (PPP) در سال ۲۰۲۵ و ۲۰۲۴ در کشورهای منتخب بر اساس آمار بانک جهانی^{۲۸}

کشور	ارز محلی	نرخ هر یک دلار بین‌المللی (PPP) سال ۲۰۲۵ و ۲۰۲۴
ایران	IRR	۱۵۷.۷۹ (۲۰۲۵)
عراق	IQD	۴۷۷.۸۰ (۲۰۲۴)
پاکستان	PKR	۶۵.۳۸ (۲۰۲۵)
ترکیه	TRY	۱۲.۵۵ (۲۰۲۴)
هند	INR	۱۹.۸۰ (۲۰۲۵)
چین	CNY	۳.۴۶ (۲۰۲۵)
ایتالیا	EUR	۰.۶۲ (۲۰۲۴)

^{۲۷} Purchasing Power Parity

^{۲۸} <https://data.worldbank.org/indicator/PA.NUS.PRVT.PP?locations=IR>

قیمت اقلام بر حسب نرخ ضریب برابری قدرت خرید خانوار (PPP) از طریق فرمول زیر محاسبه شده است:

$$\text{قیمت به ارز محلی کشور} = \frac{\text{قیمت بر حسب نرخ (PPP)}}{\text{نرخ دلار بین المللی (PPP) همان کشور}}$$

جدول ۸- قیمت خرده‌فروشی اقلام کالاهای مصرفی در هر کشور بر حسب ضریب برابری قدرت خرید (PPP)

ردیف	اقلام	واحد	ایران	عراق	پاکستان	ترکیه	هند	چین	ایتالیا
۱	برنج خارجی درجه ۱	۱ کیلو	۸.۳۰	۴.۱۹	۳.۸۲	۶.۳۷	۳.۰۸	۱.۸۸	۴.۱۹
۲	نان سفید	۵۰۰ گرم	۳.۱۷	۲.۲۰	۲.۷۵	۳.۱۹	۲.۲۲	۳.۲۴	۳.۳۹
۳	گوشت گاو	۱ کیلو	۵۵.۱۸	۳۴.۵۳	۳۳.۶۵	۵۹.۷۶	۲۵.۲۵	۲۱.۹۷	۲۸.۸۷
۴	گوشت مرغ	۱ کیلو	۹.۳۲	۱۱.۷۲	۱۰.۷۱	۱۱.۹۵	۱۳.۵۴	۶.۶۵	۱۷.۷۴
۵	تخم مرغ	۱۲ عدد	۴.۹۴	۴.۸۱	۵.۵۱	۷.۱۷	۴.۲۹	۳.۱۸	۵.۹۷
۶	شیر	۱ لیتر	۳.۸۶	۳.۲۴	۳.۳۶	۳.۵۹	۳.۰۸	۳.۴۷	۲.۲۶
۷	ماست	۱ کیلو	۵.۴۲	۵.۲۳	۳.۹۸	۵.۵۸	۵.۵۶	۶.۶۵	۴.۸۴
۸	پنیر	۵۰۰ گرم	۷.۱۳	۶.۴۴	۹.۱۸	۱۳.۹۴	۱۱.۱۶	۲۵.۷۲	۱۲.۱۰
۹	روغن نباتی	۱ لیتر	۷.۸۳	۵.۶۵	۷.۶۵	۹.۱۶	۸.۸۴	۵.۴۹	۵.۶۵
۱۰	شکر	۱ کیلو	۴.۴۶	۲.۶۲	۲.۷۵	۳.۷۵	۲.۶۸	۲.۸۹	۳.۲۳
۱۱	قند	۱ کیلو	۵.۹۳	۳.۰۳	۳.۰۶	۳.۷۵	۲.۹۳	۳.۴۷	۳.۸۷
۱۲	حبوبات (لوبیا چیتی)	۱ کیلو	۲۶.۴۷	۴.۶۰	۷.۶۵	۷.۹۷	۷.۸۳	۴.۰۵	۵.۶۵
۱۳	چای خارجی	۵۰۰ گرم	۳۴.۱۵	۷.۸۵	۳۰.۵۹	۲۰.۹۲	۲۰.۲۰	۸۶.۷۱	۲۰.۱۶
۱۴	ماکارانی	۵۰۰ گرم	۲.۰۲	۱.۵۷	۲.۰۶	۱.۵۹	۲.۷۸	۲.۰۲	۶.۹۴
۱۵	سبزی و صیفی جات (گوجه فرنگی)	۱ کیلو	۲.۶۶	۱.۸۶	۲.۲۹	۲.۷۹	۲.۳۷	۲.۴۹	۴.۶۸
۱۶	میوه پرمصرف (سیب درختی)	۱ کیلو	۷.۴۱	۲.۸۳	۴.۸۹	۳.۸۲	۹.۱۹	۳.۶۴	۳.۷۱
۱۷	نوشابه	۱.۵ لیتری	۳.۸۶	۱.۷۸	۳.۶۷	۳.۰۳	۴.۵۵	۲.۶۰	۶.۷۷
۱۸	بنزین	۱ لیتر	۰.۱۰	۱.۷۸	۴.۳۶	۳.۹۸	۵.۲۰	۲.۳۱	۲.۹۰

۱۹	برق خانگی	۱	کیلووات ساعت	۰.۰۳	۰.۱۶	۰.۷۶	۰.۲۴	۰.۴۰	۰.۱۷	۰.۴۸
۲۰	اینترنت	۱ گیگ		۰.۳۲	۲.۰۹	۲.۱۴	۱.۱۲	۰.۹۱	۱.۸۸	۲.۱۰

بر اساس جدول شماره ۸، که قیمت ۲۰ قلم کالای منتخب را به «دلار بین‌المللی» بر مبنای ضریب برابری قدرت خرید مصرف خصوصی نشان می‌دهد، می‌توان تصویری شفاف از تفاوت سطح قیمت کالاها در ایران و شش کشور منتخب (عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا) به دست داد. این جدول به طور خاص نشان می‌دهد که حتی پس از تعدیل قیمت‌ها بر اساس (PPP)، یعنی با حذف تفاوت‌های کلی سطح قیمت بین کشورها، برخی گروه‌های کالایی در ایران به طور معنادار گران‌تر و برخی دیگر به شدت ارزان‌تر از هم‌تایان خارجی خود هستند.

سطح بالاتر قیمت ایران در برخی اقلام

نتایج جدول حاکی از آن است که برای بخشی از اقلام خوراکی - به ویژه حبوبات، چای و برنج وارداتی - سطح قیمت (PPP) در ایران بالاتر از سایر کشورهای مقایسه‌ای است. برای مثال، قیمت حبوبات (لوبیا چیتی) در ایران حدود ۲۶.۵ دلار بین‌المللی به ازای هر کیلو گزارش شده، در حالی که این رقم برای عراق ۴.۶، برای پاکستان ۷.۶۵، برای ترکیه ۷.۹۷، برای هند ۷.۸۳، برای چین ۴.۰۵ و برای ایتالیا ۵.۶۵ است؛ به بیان دیگر، سطح قیمت نسبی لوبیا چیتی در ایران پس از تعدیل بر اساس برابری قدرت خرید، حدود سه تا شش برابر بالاتر از کشورهای مورد مقایسه است؛ این موضوع نشان می‌دهد که این کالا در ساختار هزینه زندگی ایران سهم قیمتی بالاتری نسبت به کشورهای نمونه دارد. در مورد چای خارجی نیز قیمت ایران حدود ۳۴.۱۵ دلار بین‌المللی برای ۵۰۰ گرم است، در حالی که این عدد در عراق ۷.۸۵، در ترکیه ۲۰.۹۲ و در ایتالیا حدود ۲۰.۱۶ است؛ بدین ترتیب، چای در سبد مصرف ایرانی نسبت به کشورهای هم‌سطح و حتی نسبت به یک کشور اروپایی مانند ایتالیا نیز در سطح قیمتی بالاتری قرار می‌گیرد.

در مورد برنج خارجی درجه یک نیز الگوی مشابهی دیده می‌شود؛ قیمت این قلم در ایران حدود ۸.۳۰ دلار بین‌المللی به ازای هر کیلو است، در حالی که در عراق و ایتالیا حدود ۴.۱۹، در پاکستان ۳.۸۲، در هند ۳.۰۸ و در چین ۱.۸۸ گزارش شده است این ارقام نشان می‌دهد که پس از تعدیل به (PPP)، برنج مرغوب وارداتی در ایران تقریباً دو برابر عراق و بیش از دو برابر هند قیمت دارد و تنها در مقایسه با ترکیه (۶.۳۷) اختلاف نسبتاً کمتر است به طور کلی می‌توان گفت در بخشی از کالاهای خوراکی، به ویژه اقلام وابسته به واردات و بازارهای جهانی مانند برنج خارجی، چای و برخی حبوبات، سطح قیمت نسبی در ایران بالاتر از کشورهای مورد بررسی است.

اقلام ارزان یا میان‌رده در ایران (به ویژه انرژی و برخی خدمات)

در مقابل، جدول نشان می‌دهد که حامل‌های انرژی و برخی خدمات زیرساختی حتی پس از تعدیل (PPP)، در ایران به‌طور غیرمعمول ارزان هستند. قیمت بنزین در ایران تنها حدود ۰.۱۰ دلار بین‌المللی به ازای هر لیتر ثبت شده است، در حالی که این رقم در عراق ۱.۷۸، در پاکستان ۴.۳۶، در ترکیه ۳.۹۸، در هند ۵.۲۰، در چین ۲.۳۱ و در ایتالیا ۲.۹۰ است؛ به عبارت دیگر، سطح قیمت بنزین در ایران بر مبنای PPP حدود ۱۰ تا ۵۰ برابر کمتر از کشورهای مورد مقایسه است که بیانگر شدت بالای مداخلات قیمتی و یارانه انرژی است. حتی زمانی که تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها در نظر گرفته شده است برق خانگی نیز در ایران حدود ۰.۰۳ دلار بین‌المللی به‌ازای هر کیلووات‌ساعت است، در حالی که در پاکستان ۰.۷۶، در ترکیه ۰.۲۴ و در ایتالیا ۰.۴۸ گزارش شده است؛ این اختلاف نشان می‌دهد که جایگاه برق در بودجه خانوار ایرانی، از منظر (PPP) نیز به مراتب سبک‌تر از خانوارهای سایر کشورها است.

همچنین قیمت اینترنت (یک گیگابایت) در ایران حدود ۰.۳۲ دلار بین‌المللی است، در حالی که در عراق ۲.۰۹، در پاکستان ۲.۱۴، در ترکیه ۱.۱۲، در چین ۱.۸۸ و در ایتالیا ۲.۱۰ ثبت شده است؛ ایران به همراه هند (۰.۹۱) در زمره ارزان‌ترین کشورها از این نظر قرار می‌گیرد. در برخی کالاهای فرآوری‌شده مانند ماکارونی (۲.۰۲ دلار در ایران در برابر ۶.۹۴ در ایتالیا) و نوشابه (۳.۸۶ در ایران در برابر ۶.۷۷ در ایتالیا)، ایران نیز سطح قیمت (PPP) پایین‌تر یا میان‌رده‌ای دارد که این تفاوت می‌تواند ناشی از ترکیبی از عوامل از جمله ساختار هزینه تولید داخلی، مقیاس تولید، سیاست‌های تنظیم بازار، یارانه‌های غیرمستقیم و شرایط رقابت در بازار داخلی باشد.

تفاوت ساختاری در ترکیب قیمت‌ها

برآیند جدول نشان می‌دهد که ساختار قیمت نسبی در ایران، حتی از منظر (PPP)، دوگانه و نامتوازن است؛ بخش مهمی از کالاهای خوراکی اساسی و واردات‌محور (حبوبات، چای، برنج خارجی) برای خانوار ایرانی «گران» است، در حالی که حامل‌های انرژی، برق و خدمات ارتباطی «بسیار ارزان» هستند. برای مثال، فاصله قیمت (PPP) لوبیا چیتی بین ایران (۲۶.۴۷) و ایتالیا (۵.۶۵) به معنای آن است که سهم این کالا در سبد مصرف ایرانی تقریباً پنج برابر بیشتر است، در حالی که بنزین و برق در همان سبد مصرف، سهمی چند برابر کمتر از کشورهای مقایسه‌ای دارند. این الگو نشان‌دهنده نوعی عدم تعادل در ساختار نسبی قیمت‌هاست؛ به گونه‌ای که یارانه گسترده انرژی موجب پایین باقی ماندن سطح قیمت حامل‌های انرژی شده، در حالی که برخی اقلام خوراکی، به‌ویژه کالاهای وابسته به واردات و بازارهای جهانی، در سطح قیمتی بالاتری نسبت به کشورهای مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.

به طور کلی، نتایج تحلیل مبتنی بر برابری قدرت خرید (PPP) نشان می‌دهد که تفاوت قیمت کالاها میان ایران و کشورهای منتخب صرفاً ناشی از نوسانات نرخ ارز بازار نیست، بلکه بخشی از این تفاوت‌ها پس از تعدیل سطح عمومی قیمت‌ها نیز باقی می‌ماند. این موضوع بیانگر وجود ناهمگونی در ساختار نسبی قیمت‌ها، اثر سیاست‌های یارانه‌ای، شرایط بازار داخلی و وابستگی برخی کالاها به نهاده‌ها و بازارهای جهانی است.

۴-۴. جمع بندی تطبیقی رویکردهای (FX) و (PPP)

مقایسه نتایج حاصل از دو رویکرد نرخ ارز بازار (FX) و برابری قدرت خرید (PPP) نشان می‌دهد که ارزیابی سطح قیمت کالاها در کشورهای مختلف به شدت به نوع شاخص مورد استفاده وابسته است. در حالی که روش FX قیمت کالاها را از منظر ارزش دلاری و قابلیت رقابت در بازارهای بین‌المللی مقایسه می‌کند، روش PPP با تعدیل تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها، تصویری نزدیک‌تر از جایگاه هر کالا در ساختار هزینه زندگی و قدرت خرید داخلی ارائه می‌دهد.

در تحلیل مبتنی بر FX، بخشی از کالاهای مصرفی در ایران، به‌ویژه برخی اقلام خوراکی و واردات‌محور، در مقایسه با کشورهای منطقه و سایر اقتصادهای در حال توسعه لزوماً ارزان‌تر ظاهر نمی‌شوند و در مواردی قیمت دلاری آن‌ها به سطح کشورهای با درآمد بالاتر نزدیک می‌شود. در مقابل، حامل‌های انرژی مانند بنزین و برق به دلیل سیاست‌های یارانه‌ای و قیمت‌گذاری اداری، اختلاف بسیار چشمگیری با سایر کشورها دارند و از منظر دلاری در پایین‌ترین سطوح قرار می‌گیرند؛ وضعیتی که نشان می‌دهد مزیت قیمتی ایران در حوزه انرژی بیش از آن‌که ناشی از بهره‌وری یا مزیت طبیعی بازار باشد، نتیجه مداخلات قیمتی و حمایت‌های یارانه‌ای است و به‌سختی می‌توان آن را به‌عنوان یک مزیت رقابتی پایدار تلقی کرد.

نتایج حاصل از رو PPP، تصویر عمیق‌تری از ساختار نسبی قیمت‌ها ارائه می‌کند. برخلاف تصویری که تفاوت‌های قیمتی را صرفاً به نرخ ارز نسبت می‌دهد، مشاهده می‌شود که حتی پس از تعدیل اثر تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها نیز برخی اقلام خوراکی، به‌ویژه کالاهای وابسته به بازارهای جهانی مانند برنج خارجی، چای و بخشی از حبوبات، در ایران در سطح قیمتی بالاتری نسبت به کشورهای مورد بررسی قرار دارند؛ در حالی که حامل‌های انرژی، برق و بخشی از خدمات ارتباطی همچنان در سطوح بسیار پایین باقی می‌مانند.

این هم‌زمانی «خوراک نسبتاً گران» و «انرژی بسیار ارزان» نشان می‌دهد دوگانگی ساختار قیمت‌ها در اقتصاد ایران صرفاً محصول نوسانات نرخ ارز یا کاهش ارزش پول ملی نیست و ریشه‌ای عمیق در شیوه سیاست‌گذاری قیمتی، نظام یارانه‌ای، درجه وابستگی کالاها به نهاده‌ها و بازارهای جهانی و تفاوت سازوکار شکل‌گیری قیمت‌ها دارد.

۵- مقایسه عمده فروشی کالاهای فله‌ای

۵-۱. تعریف و سبد کالاهای فله‌ای

در تحلیل رفتار قیمتی کالاهای مصرفی، تفکیک میان سطح عمده‌فروشی و خرده‌فروشی اهمیت اساسی دارد. در حالی که خرده‌فروشی به معنای فروش مستقیم کالا به مصرف‌کننده نهایی و در مقادیر کوچک است، عمده‌فروشی به فروش کالا در مقیاس‌های بزرگ، عمدتاً به واحدهای خرده‌فروشی، واحدهای خدمات غذایی، صنایع مصرف‌کننده مواد اولیه و سایر بنگاه‌ها اشاره دارد.

در سطح عمده‌فروشی، کالاها غالباً به‌صورت فله‌ای و بدون بسته‌بندی نهایی عرضه می‌شوند و قیمت‌ها بیش از آن که تحت تأثیر عوامل بازاریابی و نمایش در قفسه خرده‌فروشی باشند، بازتاب‌دهنده هزینه‌های تولید، واردات، حمل‌ونقل و حاشیه سود واسطه‌های اولیه است.^{۲۹}

سبد مورد بررسی در این گزارش شامل اقلام زیر می‌شود که تمام حلقه‌های اصلی زنجیره تأمین کالاهای ضروری را پوشش دهد.

- غلات و مواد پایه غذایی: گندم، آرد و برنج
- نهاده‌های تولید پروتئین حیوانی: ذرت و کنجاله سویا
- مواد اولیه صنایع غذایی: شکر سفید و روغن خام
- حبوبات پرمصرف: عدس، لوبیا و نخود
- و مواد اولیه کالاهای مصرفی: چای فله

تمرکز بر این سبد فله‌ای امکان می‌دهد که منشأ بخشی از فشار قیمتی مشاهده‌شده در بازار خرده‌فروشی شناسایی شود و مشخص گردد که تا چه حد گرانی نسبی کالاها در ایران، ناشی از سطح بالاتر قیمت در حلقه‌های اولیه زنجیره تأمین (تولید و واردات) و تا چه حد نتیجه حاشیه‌های قیمتی در مراحل بعدی توزیع و خرده‌فروشی است.

همچنین با توجه به تفاوت کیفیت، منشأ تولید، زمان معامله و شرایط عرضه در بازار عمده‌فروشی، برای کالاهای دارای تنوع کیفی، قیمت نماینده بر اساس میانگین وزنی یا میانگین بازه‌های قیمتی رایج بازار انتخاب شده است. در مورد کالاهای دارای جهانی نظیر غلات، روغن و شکر از قیمت‌های مرجع جهانی و داده‌های تجاری استفاده شده و در مورد کالاهای دارای تنوع کیفی نظیر حبوبات و چای، قیمت کالاهای استاندارد یا میانگین قیمت عمده بازار مبنای مقایسه قرار گرفته است.

^{۲۹} <https://omdeforoshan.com/blog/education/what-wholesale-compare-retail/>

جدول ۹- قیمت عمده‌فروشی اقلام کالاهای منتخب در هر کشور بر حسب ارز محلی (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵)

ردیف	اقلام	واحد	ایران (ریال - IRR ^{۳۰})	عراق (دینار - IQD ^{۳۲})	پاکستان (روپیه - PKR ^{۳۳})	ترکیه (لیر - TRY ^{۳۴})	هند (روپیه - INR ^{۳۵})	چین (یوان - CNY ^{۳۶})	ایتالیا (یورو - EUR)
۱	گندم معمولی	۱ تن	۲۰۵,۰۰۰,۰۰۰	۵۵۰,۰۰۰	۹۰,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۲۷,۰۰۰	۲,۶۰۰	۲۷۰
۲	آرد گندم فله	۱ تن	۲۷۵,۰۰۰,۰۰۰	۷۰۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	۱۸,۰۰۰	۳۵,۰۰۰	۳,۴۰۰	۴۵۰
۳	برنج وارداتی فله	۱ تن	۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۸۰۰,۰۰۰	۹۰,۰۰۰	۳۵,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	۴,۵۰۰	۷۰۰
۴	ذرت دامی	۱ تن	۳۷۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۵۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	۲,۴۰۰	۲۶۰
۵	کنجاله سویا	۱ تن	۷۹۰,۰۰۰,۰۰۰ ^{۳۸}	۸۰۰,۰۰۰	۱۸۰,۰۰۰	۲۲,۰۰۰	۴۵,۰۰۰	۳,۵۰۰	۴۵۰
۶	شکر سفید فله	۱ تن	۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۶۵۰,۰۰۰	۱۵۰,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	۶,۰۰۰	۶۵۰
۷	روغن خام نباتی (آفتابگردان یا پالم)	۱ تن	۹۳۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۲۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰	۴۵,۰۰۰	۱۱۰,۰۰۰	۹,۰۰۰	۱,۱۰۰
۸	عدس فله	۱ تن	۱,۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰	۲۵۰,۰۰۰	۳۵,۰۰۰	۹۰,۰۰۰	۷,۰۰۰	۱,۵۰۰
۹	لوبیا چیتی فله	۱ تن	۲,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۵۰۰,۰۰۰	۱۹۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰	۸۵,۰۰۰	۶,۵۰۰	۱,۸۰۰
۱۰	نخود فله	۱ تن	۱,۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۹۰۰,۰۰۰	۱۶۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	۶,۰۰۰	۱,۳۰۰
۱۱	چای وارداتی فله	۱ تن	۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵,۰۰۰,۰۰۰	۱,۲۰۰,۰۰۰	۱۵۰,۰۰۰	۲۵۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰	۷,۰۰۰

^{۳۰} <https://iran-grains.com/?p=۱۴۹۳۸>

^{۳۱} با توجه به ساختار تنظیم بازار و مداخلات دولتی در برخی کالاهای اساسی، قیمت‌های عمده‌فروشی گزارش شده برای ایران بسته به ماهیت هر کالا از منابع رسمی شامل نرخ‌های تضمینی، قیمت‌های سامانه‌های تنظیم بازار و قیمت‌های بازار عمده استخراج شده است.

^{۳۲} <https://mot.gov.iq>

^{۳۳} <https://agri-crop.com/prices-snapshot-december-۱۵-۲۰۲۵>

^{۳۴} <https://www.tuik.gov.tr>

^{۳۵} <https://cacp.dac.gov.in>

^{۳۶} <https://www.stats.gov.cn/?utm>

^{۳۷} <https://vista.ir/n/foodpress/sti۵۰>

^{۳۸} <https://khabarfarsi.com/u/۲۳۹۹۶۰۱۸۷>

بررسی قیمت‌های عمده‌فروشی ۱۱ قلم کالای منتخب در ایران و کشورهای مورد مطالعه (عراق، پاکستان، ترکیه، هند، چین و ایتالیا) نشان می‌دهد که ساختار قیمت مواد اولیه و کالاهای پایه در ایران، همانند بخش خرده‌فروشی، دارای یک الگوی دوگانه و ناهمگون است. در برخی کالاهای دارای وابستگی بیشتر به بازارهای جهانی، نظیر روغن خام نباتی، کنجاله سویا و برنج وارداتی، اختلاف قیمت میان کشورها محدودتر بوده و قیمت‌ها عمدتاً تحت تأثیر نرخ ارز، هزینه‌های حمل‌ونقل، سیاست‌های تجاری و شرایط بازار جهانی قرار دارند. با این حال، در برخی کالاهای کشاورزی و غذایی نظیر حبوبات و چای، مقایسه‌ها نشان می‌دهد که قیمت عمده‌فروشی ایران در مواردی بالاتر از کشورهای منطقه‌ای مانند پاکستان، هند و حتی برخی موارد نزدیک به کشورهای با درآمد بالاتر است. این موضوع بیانگر آن است که بخشی از فشار قیمتی مشاهده‌شده در بازار مصرف، از حلقه‌های ابتدایی زنجیره تأمین و مرحله تأمین مواد اولیه شکل می‌گیرد و صرفاً ناشی از هزینه‌های توزیع و خرده‌فروشی نیست.

از سوی دیگر، مقایسه کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که مزیت قیمتی در بازارهای جهانی بیش از آن‌که به سطح درآمد کشورها وابسته باشد، به بهره‌وری تولید، مقیاس اقتصادی، ساختار زنجیره تأمین و سیاست‌های کشاورزی و تجاری وابسته است. به‌عنوان مثال، کشورهایی مانند هند و چین با وجود جمعیت بالا و رشد اقتصادی قابل توجه، در بسیاری از محصولات کشاورزی به دلیل مقیاس بزرگ تولید، شبکه گسترده تأمین و هزینه پایین‌تر تولید، توانسته‌اند قیمت‌های عمده‌فروشی رقابتی حفظ کنند؛ در حالی که کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند ایتالیا نیز به واسطه بهره‌وری بالا، زیرساخت‌های پیشرفته و نظام توزیع کارآمد، در برخی اقلام اختلاف قیمتی چندانی با اقتصادهای در حال توسعه ندارند. بنابراین، نتایج این بخش نشان می‌دهد که تحلیل گرانی کالاها در ایران باید از سطح خرده‌فروشی فراتر رفته و کل زنجیره ارزش، از تأمین مواد اولیه و واردات تا فرآوری، توزیع و عرضه نهایی، مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا بخشی از شکاف قیمتی از مرحله عمده‌فروشی آغاز می‌شود و بخشی دیگر ممکن است ناشی از ناکارآمدی‌های شبکه توزیع و ساختار بازار باشد.

۲-۵. تحلیل بر اساس نرخ ارز واقعی بازار (FX^{۳۹}) در سال ۲۰۲۵

در ادامه تحلیل قیمت‌های عمده‌فروشی، قیمت ۱۱ قلم کالای منتخب در کشورهای مورد بررسی بر اساس نرخ ارز بازار به دلار آمریکا تبدیل شده است. هدف از این تبدیل، فراهم کردن امکان مقایسه مستقیم

^{۳۹} Foreign Exchange Rate

قیمت کالاهای پایه و مواد اولیه در سطح بین‌المللی است؛ به‌گونه‌ای که بتوان مشخص کرد آیا نهاده‌ها و کالاهای عمده‌فروشی در ایران، از منظر ارزش دلاری و رقابت‌پذیری تجاری، در مقایسه با کشورهای منتخب دارای مزیت قیمتی هستند؟.

این تحلیل از آن جهت اهمیت دارد که قیمت‌های عمده‌فروشی، حلقه میانی میان تولید، واردات و بازار مصرف محسوب می‌شوند و می‌توانند نشان دهند که بخشی از تفاوت قیمت کالاها از مرحله تأمین و واردات آغاز می‌شود یا در مراحل بعدی، یعنی توزیع و خرده‌فروشی، شکل می‌گیرد. بنابراین، مقایسه دلاری قیمت‌های عمده‌فروشی می‌تواند به شناسایی منشأ فشار قیمتی در زنجیره تأمین کمک کند و زمینه لازم را برای تحلیل حاشیه توزیع میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی فراهم سازد.

در تفسیر نتایج این جدول، باید توجه داشت که پایین‌تر بودن قیمت دلاری یک کالا لزوماً به معنای مزیت پایدار تولیدی نیست؛ زیرا در برخی کشورها، از جمله ایران، قیمت نهاده‌ها و کالاهای اساسی ممکن است تحت تأثیر یارانه‌ها، نرخ‌های ترجیحی، مداخلات تنظیم بازار یا سیاست‌های حمایتی قرار داشته باشد. از این‌رو، نتایج این جدول باید در کنار ساختار سیاست‌گذاری، نظام ارزی، میزان وابستگی به واردات و وضعیت زنجیره توزیع هر کشور تحلیل شود.

جدول ۱۰- قیمت عمده‌فروشی اقلام منتخب بر حسب دلار آمریکا به ازای هر تن بر مبنای نرخ ارز بازار، (میانگین تقریبی سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵)^{۴۰}

ردیف	اقلام	واحد	ایران (ریال -) ۴۲ (IRR ^{۴۱})	عراق (دینار -) ۴۳ (IQD)	پاکستان (روپیه -) ۴۴ (PKR)	ترکیه (لیر -) ۴۵ (TRY)	هند (روپیه -) ۴۶ (INR)	چین (یوان -) ۴۷ (CNY)	ایتالیا (یورو -) (EUR)
۱	گندم معمولی	۱ تن	۲۲۷.۷۸	۴۲۰.۱۷	۳۲۳.۷۴	۳۰۷.۶۹	۳۱۵.۷۹	۳۶۱.۱۱	۲۹۳.۴۸
۲	آرد گندم فله	۱ تن	۳۰۵.۵۶	۵۳۴.۷۶	۵۰۳.۶۰	۴۶۱.۵۴	۴۰۹.۳۶	۴۷۲.۲۲	۴۸۹.۱۳
۳	برنج وارداتی فله	۱ تن	۸۳۳.۳۳	۶۱۱.۱۵	۳۲۳.۷۴	۸۹۷.۴۴	۴۶۷.۸۴	۶۲۵.۰۰	۷۶۰.۸۷
۴	ذرت دامی	۱ تن	۵۵۵.۵۶	۳۴۳.۷۷	۲۸۷.۷۷	۲۵۶.۴۱	۲۹۲.۴۰	۳۳۳.۳۳	۲۸۲.۶۱
۵	کنجاله سویا	۱ تن	۸۷۷.۷۸	۶۱۱.۱۵	۶۴۷.۴۸	۵۶۴.۱۰	۵۲۶.۳۲	۴۸۶.۱۱	۴۸۹.۱۳
۶	شکر سفید فله	۱ تن	۵۰۰.۰۰	۴۹۶.۵۶	۵۳۹.۵۷	۶۴۱.۰۳	۴۶۷.۸۴	۸۳۳.۳۳	۷۰۶.۵۲
۷	روغن خام نباتی (آفتابگردان یا پالم)	۱ تن	۱,۰۳۳.۳۳	۹۱۶.۷۳	۱,۷۹۸.۵۶	۱,۱۵۳.۸۵	۱,۲۸۶.۵۵	۱,۲۵۰.۰۰	۱,۱۹۵.۶۵
۸	عدس فله	۱ تن	۱,۷۲۲.۲۲	۷۶۳.۹۴	۸۹۹.۲۸	۸۹۷.۴۴	۱,۰۵۲.۶۳	۹۷۲.۲۲	۱,۶۳۰.۴۳
۹	لوبیا چیتی فله	۱ تن	۲,۷۲۲.۲۲	۱,۱۴۵.۹۱	۶۸۳.۴۵	۱,۲۸۲.۰۵	۹۹۴.۱۵	۹۰۲.۷۸	۱,۹۵۶.۵۲
۱۰	نخود فله	۱ تن	۱,۵۰۰.۰۰	۶۸۷.۵۵	۵۷۵.۵۴	۱,۰۲۵.۶۴	۸۱۸.۷۱	۸۳۳.۳۳	۱,۴۱۳.۰۴
۱۱	چای وارداتی فله	۱ تن	۷,۷۷۷.۷۸	۳,۸۱۹.۷۱	۴,۳۱۶.۵۵	۳,۸۴۶.۱۵	۲,۹۲۳.۹۸	۸,۳۳۳.۳۳	۷,۶۰۸.۷۰

^{۴۰} در این جدول از نرخ پایه محاسبه شده در جدول شماره ۶ استفاده شده است.

^{۴۱} <https://iran-grains.com/?p=۱۴۹۳۸>

^{۴۲} با توجه به ساختار تنظیم بازار و مداخلات دولتی در برخی کالاهای اساسی، قیمت‌های عمده‌فروشی گزارش شده برای ایران بسته به ماهیت هر کالا از منابع رسمی شامل نرخ‌های تضمینی، قیمت‌های سامانه‌های تنظیم بازار و قیمت‌های بازار عمده استخراج شده است.

^{۴۳} <https://mot.gov.iq>

^{۴۴} <https://agri-crop.com/prices-snapshot-december-۱۵-۲۰۲۵>

^{۴۵} <https://www.tuik.gov.tr>

^{۴۶} <https://cacp.dac.gov.in>

^{۴۷} <https://www.stats.gov.cn>

نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد که تبدیل قیمت‌های عمده‌فروشی به دلار آمریکا، تصویر روشن‌تری از جایگاه قیمتی کالاهای پایه و نهاده‌های اصلی در ایران نسبت به کشورهای منتخب ارائه می‌دهد. بر اساس این مقایسه، ایران در برخی اقلام نظیر گندم معمولی و آرد گندم فله، پایین‌ترین قیمت دلاری را در میان کشورهای مورد بررسی دارد. این موضوع می‌تواند بیانگر نقش قیمت‌گذاری حمایتی، سیاست‌های تنظیم بازار و مداخلات دولت در زنجیره گندم و آرد باشد. با این حال، پایین بودن قیمت دلاری این اقلام لزوماً به معنای مزیت رقابتی پایدار نیست، زیرا قیمت این کالاها در بسیاری از کشورها تحت تأثیر سیاست‌های حمایتی، یارانه‌ای و امنیت غذایی قرار دارد و نمی‌توان آن را صرفاً نتیجه بهره‌وری یا مزیت تولیدی دانست. در مقابل، در برخی نهاده‌ها و کالاهای واردات‌محور یا وابسته به بازارهای جهانی، ایران در موقعیت قیمتی بالاتری قرار می‌گیرد. قیمت دلاری ذرت دامی، کنجاله سویا، برنج وارداتی، عدس، لوبیا چیتی، نخود و چای وارداتی در ایران نسبت به بخش قابل توجهی از کشورهای مورد مقایسه بالاتر است. این الگو نشان می‌دهد که بخشی از فشار قیمتی مشاهده‌شده در بازار مصرف، پیش از رسیدن کالا به سطح خرده‌فروشی و در همان حلقه‌های تأمین، واردات یا عمده‌فروشی شکل می‌گیرد. به‌ویژه در مورد حبوبات و چای، بالا بودن قیمت دلاری ایران در سطح عمده‌فروشی با یافته‌های بخش خرده‌فروشی همخوانی دارد و نشان می‌دهد که گرانی این اقلام صرفاً ناشی از شبکه توزیع یا حاشیه سود خرده‌فروشان نیست، بلکه بخشی از آن به سطح بالاتر قیمت در حلقه‌های ابتدایی زنجیره بازمی‌گردد.

مقایسه کالاها همچنین نشان می‌دهد که ساختار قیمت عمده‌فروشی در ایران یکدست نیست. در برخی کالاها مانند شکر و روغن خام نباتی، قیمت دلاری ایران در محدوده میانی یا نسبتاً رقابتی قرار دارد؛ اما در نهاده‌هایی مانند ذرت دامی و کنجاله سویا، ایران از منظر دلاری در جایگاه گران‌تری نسبت به بیشتر کشورهای مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این موضوع برای صنایع غذایی، دام و طیور اهمیت زیادی دارد، زیرا افزایش قیمت این نهاده‌ها می‌تواند با وقفه زمانی کوتاه به قیمت نهایی گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، لبنیات و سایر کالاهای وابسته منتقل شود. بنابراین، تحلیل عمده‌فروشی نشان می‌دهد که بخشی از افزایش هزینه تولید در ایران، ریشه در قیمت بالاتر برخی نهاده‌های کلیدی دارد.

بر این اساس، نتایج جدول ۱۰ می‌تواند مبنای ورود به مرحله بعدی تحلیل، یعنی بررسی حاشیه توزیع میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی باشد. اگر کالایی در سطح عمده‌فروشی نیز نسبت به کشورهای منتخب گران‌تر باشد، منشأ فشار قیمتی را باید در تأمین، واردات، تولید یا سیاست‌های تنظیم بازار جست‌وجو کرد. اما اگر کالایی در سطح عمده‌فروشی قیمت رقابتی داشته باشد و در سطح خرده‌فروشی گران‌تر ظاهر شود، احتمال وجود ناکارآمدی در شبکه توزیع، تعدد واسطه‌ها، هزینه‌های لجستیکی یا ضعف رقابت در حلقه‌های پایانی زنجیره بیشتر می‌شود.

در جمع‌بندی، نتایج تحلیل FX عمده‌فروشی نشان می‌دهد که ایران در همه مواد اولیه و کالاهای پایه دارای مزیت قیمتی نیست. مزیت دلاری ایران عمدتاً در کالاهایی مانند گندم و آرد مشاهده می‌شود که به‌شدت تحت تأثیر سیاست‌های حمایتی، قیمت‌گذاری و مداخلات تنظیم بازار قرار دارند؛ بنابراین نمی‌توان آن را به‌عنوان مزیت رقابتی پایدار تلقی کرد. در مقابل، در کالاهایی مانند برنج وارداتی، ذرت دامی، کنجاله سویا، حبوبات و چای، قیمت دلاری ایران در سطح عمده‌فروشی نسبتاً بالا بوده و نشان می‌دهد بخشی از گرانی این اقلام از مرحله تأمین، واردات یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود. از این منظر، یافته‌های عمده‌فروشی تا حد زیادی نتایج بخش FX خرده‌فروشی را تأیید می‌کند؛ زیرا کالاهایی که در سطح مصرف‌کننده گران‌تر ظاهر شده‌اند، در مواردی از همان حلقه‌های ابتدایی زنجیره نیز با قیمت بالاتری مواجه بوده‌اند. بنابراین، مزیت قیمتی ایران محدود، کالامحور و عمدتاً متکی بر سیاست‌های حمایتی است و به کل زنجیره تأمین کالاهای اساسی قابل تعمیم نیست.

۳-۵. تحلیل حاشیه توزیع میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی (Mark-up Analysis)

مقایسه قیمت عمده‌فروشی و قیمت خرده‌فروشی کالاهای متناظر، امکان می‌دهد مشخص نماییم که افزایش قیمت کالاها در چه بخشی از زنجیره ارزش شکل می‌گیرد: آیا کالا از همان مرحله تأمین، واردات یا عمده‌فروشی با قیمت بالا وارد بازار می‌شود، یا بخش قابل توجهی از افزایش قیمت در مراحل بعدی، یعنی حمل‌ونقل، انبارداری، بسته‌بندی، توزیع، واسطه‌گری و خرده‌فروشی ایجاد می‌شود. برای این منظور، قیمت عمده‌فروشی کالاها ابتدا به واحد قابل مقایسه با قیمت خرده‌فروشی تبدیل می‌شود. از آنجا که قیمت‌های عمده‌فروشی در جدول قبل بر حسب «دلار به ازای هر تن» محاسبه شده‌اند، لازم است این قیمت‌ها به «دلار به ازای هر کیلوگرم» تبدیل شوند. سپس قیمت خرده‌فروشی هر کالا بر حسب دلار با قیمت عمده‌فروشی متناظر مقایسه می‌شود. نسبت قیمت خرده‌فروشی به عمده‌فروشی نشان می‌دهد که قیمت کالا در مسیر حرکت از عمده‌فروشی تا مصرف‌کننده نهایی چند برابر شده است.

- ضریب افزایش قیمت = قیمت خرده‌فروشی هر کیلوگرم / قیمت عمده‌فروشی هر کیلوگرم

- درصد حاشیه توزیع = ((قیمت خرده‌فروشی - قیمت عمده‌فروشی) / قیمت عمده‌فروشی) × ۱۰۰

اما باید در نظر داشت که فاصله میان قیمت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی صرفاً سود خرده‌فروش نیست، بلکه مجموعه‌ای از هزینه‌های بسته‌بندی، حمل‌ونقل، نگهداری، ضایعات، مالیات، هزینه سرمایه در گردش، هزینه‌های بازاریابی و حاشیه سود واسطه‌ها و فروشندگان را دربرمی‌گیرد. با این حال، مقایسه این شاخص

میان کشورهای منتخب می‌تواند تصویر مناسبی از کارایی نسبی شبکه توزیع، شدت واسطه‌گری و میزان انتقال هزینه‌ها از حلقه عمده‌فروشی به مصرف‌کننده نهایی ارائه نماید.

در این بخش، تمرکز بر کالاهایی است که امکان مقایسه مستقیم‌تری میان قیمت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی آن‌ها وجود دارد؛ مانند برنج، شکر، حبوبات، چای و تا حدی روغن نباتی. در مورد برخی کالاها مانند گندم، آرد، ذرت دامی و کنجاله سویا، ارتباط با قیمت مصرف‌کننده غیرمستقیم‌تر است، زیرا این اقلام یا نهاده تولید محسوب می‌شوند یا پس از فرآوری به شکل کالاهای نهایی مانند نان، گوشت، مرغ، تخم‌مرغ و لبنیات در بازار مصرف ظاهر می‌شوند. بنابراین، تحلیل حاشیه توزیع برای این گروه از کالاها باید بیشتر به‌عنوان شاخصی از فشار هزینه‌ای در زنجیره تولید و نه مقایسه مستقیم عمده‌فروشی و خرده‌فروشی تفسیر شود.

در این مرحله، برای پرهیز از طولانی‌شدن گزارش و تمرکز بر مقایسه منطقه‌ای، حاشیه توزیع کالاهای متناظر در ایران با دو کشور عراق و ترکیه مقایسه شده است. انتخاب عراق از آن جهت انجام شده که این کشور از نظر جغرافیایی، تجاری و الگوی مصرف برخی کالاهای اساسی، نزدیک به ایران است و در محاسبات انجام‌شده، در بخشی از اقلام حاشیه افزایش قیمت محدودتری را نسبت به سایر کشورهای منطقه نشان می‌دهد. در مقابل، ترکیه به‌عنوان اقتصادی منطقه‌ای با ساختار بازار توسعه‌یافته‌تر، شبکه توزیع گسترده‌تر و در برخی اقلام دارای حاشیه افزایش قیمت بالاتر انتخاب شده است. بنابراین، مقایسه ایران با عراق و ترکیه امکان می‌دهد جایگاه ایران در میان دو وضعیت متفاوت منطقه‌ای بررسی شود: از یک‌سو کشوری با فاصله نسبتاً کمتر میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و از سوی دیگر کشوری با حاشیه بالاتر که بخشی از آن می‌تواند ناشی از هزینه‌های فرآوری، بسته‌بندی، خدمات توزیع، مالیات و استانداردهای بالاتر عرضه باشد.

جدول ۱۱- مقایسه حاشیه توزیع کالاهای متناظر عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در ایران، عراق و ترکیه (سال ۱۴۰۴ و ۲۰۲۵)

ردیف	کالا	کشور	قیمت عمده‌فروشی هر کیلو	قیمت خرده‌فروشی هر کیلو	ضریب افزایش قیمت	درصد حاشیه توزیع
۱	آرد گندم فله / نان سفید	ایران	۰.۳۱	۱.۱۱	۳.۶۴	۲۶۳.۶٪
۲		عراق	۰.۵۳	۱.۶۰	۳.۰۰	۲۰۰.۰٪
۳		ترکیه	۰.۴۶	۲.۰۵	۴.۴۴	۳۴۴.۴٪
۴	برنج وارداتی فله / برنج خارجی درجه ۱	ایران	۰.۸۳	۱.۴۶	۱.۷۵	۷۴.۷٪
۵		عراق	۰.۶۱	۱.۵۳	۲.۵۰	۱۵۰.۰٪
۶		ترکیه	۰.۹۰	۲.۰۵	۲.۲۹	۱۲۸.۶٪
۷	روغن خام نباتی / روغن نباتی خرده‌فروشی	ایران	۱.۰۳	۱.۳۷	۱.۳۳	۳۲.۸٪
۸		عراق	۰.۹۲	۲.۰۶	۲.۲۵	۱۲۵.۰٪
۹		ترکیه	۱.۱۵	۲.۹۵	۲.۵۶	۱۵۵.۶٪
۱۰	شکر سفید فله / شکر خرده‌فروشی	ایران	۰.۵۰	۰.۷۸	۱.۵۷	۵۶.۵٪
۱۱		عراق	۰.۵۰	۰.۹۵	۱.۹۲	۹۲.۳٪
۱۲		ترکیه	۰.۶۴	۱.۲۱	۱.۸۸	۸۸.۰٪
۱۳	لوبیا چیتی فله / حبوبات، لوبیا چیتی	ایران	۲.۷۲	۴.۶۴	۱.۷۰	۷۰.۵٪
۱۴		عراق	۱.۱۵	۱.۶۸	۱.۴۷	۴۶.۷٪
۱۵		ترکیه	۱.۲۸	۲.۵۶	۲.۰۰	۱۰۰.۰٪
۱۶	چای وارداتی فله / چای خارجی	ایران	۷.۷۸	۱۱.۹۸	۱.۵۴	۵۴.۰٪
۱۷		عراق	۳.۸۲	۵.۷۳	۱.۵۰	۵۰.۰٪
۱۸		ترکیه	۳.۸۵	۱۳.۴۶	۳.۵۰	۲۵۰.۰٪

تحلیل جدول ۱۱ و مقایسه ایران با دو کشور منطقه‌ای عراق و ترکیه، تصویر دقیق‌تری از جایگاه شبکه توزیع ایران ارائه می‌دهد. بر اساس کالاهای متناظر موجود در گزارش، عراق در بیشتر اقلام مورد بررسی، حاشیه افزایش قیمت محدودتری نسبت به ترکیه دارد و می‌تواند به‌عنوان نمونه منطقه‌ای با فاصله کمتر میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در نظر گرفته شود. در مقابل، ترکیه در کالاهایی مانند نان، روغن نباتی و چای خارجی، ضریب افزایش قیمت بالاتری را نشان می‌دهد و از این جهت می‌تواند به‌عنوان نمونه منطقه‌ای با حاشیه توزیع بالاتر مورد مقایسه قرار گیرد. میانگین ساده ضریب افزایش قیمت در اقلام متناظر نشان می‌دهد که این شاخص برای ایران حدود ۱.۹۲، برای عراق حدود ۲.۱۱ و برای ترکیه حدود ۲.۷۸ است؛ بنابراین ایران

در مجموع میان عراق و ترکیه قرار می‌گیرد و ترکیب کالاها نشان می‌دهد که وضعیت ایران در همه اقسام یکسان نیست.

در ایران، بیشترین ضریب افزایش قیمت مربوط به آرد گندم فله / نان سفید است. البته این مورد باید با احتیاط تفسیر شود، زیرا نان یک کالای فراآوری شده است و فاصله آن با قیمت آرد فقط حاشیه توزیع نیست، بلکه شامل هزینه پخت، نیروی کار، حمل و نقل، ضایعات، اجاره، انرژی، سیاست‌های قیمت‌گذاری و سازوکار یارانه‌ای نیز می‌شود. در مقابل، در کالاهایی مانند روغن، شکر، لوبیا چیتی و چای، ضریب افزایش قیمت ایران نسبتاً محدودتر از ترکیه و در برخی موارد نزدیک به عراق است. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد در بخشی از اقلام، مسئله اصلی ایران الزاماً افزایش شدید قیمت در حلقه توزیع نیست؛ بلکه قیمت عمده‌فروشی از ابتدا در سطح بالایی قرار دارد. برای نمونه، لوبیا چیتی و چای در ایران در سطح عمده‌فروشی قیمت بالاتری نسبت به عراق و ترکیه دارند و همین موضوع بخشی از گرانی نهایی این اقلام را توضیح می‌دهد.

بر اساس این نتایج، سیاست‌گذاری برای کاهش قیمت مصرف‌کننده در ایران باید به صورت کالابه‌کالا طراحی شود. در کالاهایی مانند نان، لازم است حلقه فراآوری، پخت، توزیع و قیمت‌گذاری به طور جداگانه بررسی شود؛ اما در کالاهایی مانند حبوبات و چای، تمرکز صرف بر خرده‌فروشی کافی نیست و باید هزینه تأمین، واردات، عمده‌فروشی و ساختار بازار در حلقه‌های ابتدایی زنجیره نیز مورد توجه قرار گیرد. به بیان دیگر، تحلیل حاشیه توزیع نشان می‌دهد که منشأ گرانی در ایران همیشه در یک نقطه از زنجیره قرار ندارد؛ در برخی کالاها فشار قیمتی از مرحله عمده‌فروشی آغاز می‌شود و در برخی دیگر، فاصله میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی نقش پررنگ‌تری دارد.

۶- ارزیابی دلاری شدن هزینه اقلام ضروری در ایران

پس از بررسی قیمت کالاهای منتخب در سطح خرده‌فروشی، برابری قدرت خرید، عمده‌فروشی و حاشیه توزیع، در این بخش نتایج به‌دست‌آمده در یک چارچوب جمع‌بندی می‌شود تا به پرسش اصلی گزارش پاسخ داده شود: آیا هزینه اقلام ضروری در ایران، به‌ویژه کالاهای خوراکی و معیشتی، به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده است؟

منظور از «دلاری شدن هزینه اقلام ضروری» این نیست که همه قیمت‌ها در ایران دقیقاً با قیمت‌های جهانی برابر شده‌اند؛ بلکه منظور آن است که بخشی از کالاهای ضروری، پس از تبدیل به دلار و حتی در برخی موارد پس از تعدیل بر اساس قدرت خرید، در سطوحی قرار گرفته‌اند که با کشورهای منطقه‌ای یا حتی برخی اقتصادهای با درآمد بالاتر قابل مقایسه‌اند.

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که این سطح قیمت‌ها در کنار دستمزدها و درآمدهای داخلی بررسی شود؛ زیرا اگر قیمت کالاها به سطح دلاری منطقه‌ای نزدیک شود، اما درآمد خانوارها متناسب با آن افزایش نیابد، فشار معیشتی خانوار به‌شدت افزایش خواهد یافت.

در این فصل، نتایج چهار سطح تحلیل قبلی شامل قیمت خرده‌فروشی بر اساس نرخ ارز بازار، قیمت خرده‌فروشی بر اساس برابری قدرت خرید، قیمت عمده‌فروشی بر اساس نرخ ارز بازار و تحلیل حاشیه توزیع کنار یکدیگر قرار می‌گیرد. این رویکرد کمک می‌کند مشخص شود که گرانی کالاها در ایران صرفاً ناشی از شبکه توزیع و خرده‌فروشی نیست، بلکه در برخی اقلام از مرحله تأمین، واردات، تولید یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود و در برخی دیگر، حاشیه‌های توزیع و ساختار بازار نقش پررنگ‌تری دارد.

جدول ۱۲- جمع‌بندی شواهد دلاری شدن هزینه اقلام ضروری در ایران

سطح تحلیل	پرسش اصلی	شواهد مشاهده‌شده در گزارش	اقلام شاخص	نتیجه تحلیلی
خرده‌فروشی بر مبنای نرخ ارز بازار (FX)	آیا مصرف‌کننده ایرانی برخی کالاها را با قیمتی نزدیک به کشورهای منطقه‌ای یا جهانی خریداری می‌کند؟	نتایج تبدیل قیمت‌های خرده‌فروشی به دلار نشان می‌دهد که ایران در برخی اقلام خوراکی، ارزان‌ترین کشور نمونه نیست و قیمت برخی کالاها به سطح کشورهای منطقه‌ای یا حتی بالاتر نزدیک شده است.	برنج خارجی، گوشت گاو، حبوبات، چای، روغن نباتی، بخشی از لبنیات	شواهدی از دلاری شدن نسبی هزینه بخشی از اقلام خوراکی و ضروری مشاهده می‌شود.
خرده‌فروشی بر مبنای برابری قدرت خرید (PPP)	آیا فشار قیمت کالاها بر قدرت خرید داخلی خانوار ایرانی بالاست؟	حتی پس از تعدیل تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها، برخی اقلام در ایران نسبت به کشورهای منتخب در سطح بالاتری قرار می‌گیرند.	حبوبات، چای، برنج خارجی، برخی اقلام خوراکی واردات‌محور	مسئله فقط نرخ ارز نیست؛ برخی کالاها در ساختار هزینه زندگی ایران نیز گران محسوب می‌شوند.
عمده‌فروشی بر مبنای نرخ ارز بازار (FX)	آیا گرانی کالاها از مرحله تأمین، واردات یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود؟	در برخی کالاها، قیمت دلاری عمده‌فروشی ایران بالاتر از بخشی از کشورهای منتخب است؛ بنابراین فشار قیمتی فقط در سطح خرده‌فروشی ایجاد نمی‌شود.	برنج وارداتی، ذرت دامی، کنجاله سویا، حبوبات، چای	بخشی از دلاری شدن هزینه کالاها از حلقه‌های ابتدایی زنجیره تأمین آغاز می‌شود.
تحلیل حاشیه توزیع (Mark-up)	آیا گرانی کالاها صرفاً ناشی از شبکه توزیع و خرده‌فروشی است؟	نتایج نشان می‌دهد در برخی کالاها فاصله عمده‌فروشی تا خرده‌فروشی مهم است، اما در برخی دیگر قیمت از همان سطح عمده‌فروشی بالاست.	نان، روغن، شکر، حبوبات، چای، برنج	منشأ گرانی کالاها یکسان نیست و باید کالاهای مختلف تحلیل شود.
انرژی و خدمات پایه	آیا همه هزینه‌های ضروری در ایران دلاری شده‌اند؟	برخلاف اقلام خوراکی، حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه در ایران همچنان به شدت پایین‌تر از سطح کشورهای منتخب قرار دارند.	بنزین، برق، بخشی از خدمات پایه	دلاری شدن هزینه‌ها عمومی و فراگیر نیست؛ بلکه بیشتر در بخشی از اقلام خوراکی و واردات‌محور مشاهده می‌شود.
جمع‌بندی کلی	آیا می‌توان گفت هزینه زندگی در ایران دلاری شده است؟	شواهد نشان می‌دهد بخشی از هزینه‌های ضروری، به‌ویژه خوراکی‌های واردات‌محور و نهاده‌بر، به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده‌اند، اما این روند در همه کالاها دیده نمی‌شود.	خوراکی‌ها در برابر انرژی و خدمات یارانه‌ای	دلاری شدن هزینه معیشت در ایران نسبی، کالامحور و نامتوازن است.

نتایج جدول ۱۲، نشان می‌دهد که دلاری شدن هزینه‌های ضروری در ایران یک پدیده عمومی و یکدست نیست، بلکه بیشتر در بخشی از اقلام خوراکی، کالاهای واردات‌محور و کالاهای وابسته به نهاده‌های جهانی مشاهده می‌شود. به بیان دیگر، نمی‌توان گفت همه قیمت‌ها در ایران به سطح جهانی رسیده‌اند؛ زیرا حامل‌های انرژی، برق و برخی خدمات پایه همچنان به شدت تحت تأثیر قیمت‌گذاری اداری و یارانه‌ای قرار دارند و از سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی فاصله زیادی دارند. با این حال، در کالاهایی مانند برنج خارجی، گوشت، حبوبات، چای، روغن و بخشی از لبنیات، قیمت‌های دلاری یا قیمت‌های تعدیل‌شده بر اساس قدرت خرید نشان می‌دهد که خانوار ایرانی در برخی اقلام ضروری با سطح قیمتی نزدیک به کشورهای منطقه‌ای یا حتی بالاتر مواجه است.

اهمیت این یافته زمانی آشکارتر می‌شود که این قیمت‌ها در کنار سطح دستمزد و درآمد خانوار بررسی شوند. اگر قیمت برخی اقلام ضروری به سطح دلاری منطقه‌ای و جهانی نزدیک شود، اما دستمزدها و درآمدهای خانوار متناسب با آن افزایش نیابد، فشار معیشتی به شدت افزایش می‌یابد. بنابراین، مسئله اصلی در اقتصاد خانوار ایران فقط «گرانی کالاهای» نیست، بلکه شکاف میان قیمت‌های نزدیک‌شده به سطح جهانی و دستمزدهای داخلی است. به همین دلیل، در بخش بعدی گزارش، قدرت خرید دستمزدها در ایران و کشورهای منتخب مقایسه می‌شود تا مشخص شود خانوارها با درآمد ماهانه خود چه مقدار از اقلام ضروری را می‌توانند خریداری کنند.

۷- مقایسه دستمزد و قدرت خرید اقلام ضروری

پس از بررسی سطح قیمت کالاهای منتخب در بازار خرده‌فروشی، عمده‌فروشی، برابری قدرت خرید و حاشیه توزیع، گام بعدی آن است که این قیمت‌ها در نسبت با سطح درآمد و دستمزد سنجیده شوند. مقایسه قیمت‌ها به‌تنهایی نشان می‌دهد کالاهای در هر کشور چه سطح قیمتی دارند، اما برای ارزیابی اثر واقعی آن‌ها بر خانوار، باید مشخص شود هر واحد درآمد ماهانه چه مقدار از کالاهای ضروری را پوشش می‌دهد.

در این بخش، تمرکز از «سطح قیمت» به «توان خرید» منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، سؤال اصلی این نیست که قیمت یک کیلو برنج، گوشت، مرغ یا حبوبات در ایران چند دلار است؛ بلکه این است که یک فرد حقوق‌بگیر با دستمزد ماهانه خود در ایران و کشورهای منتخب، چه مقدار از این کالاهای را می‌تواند خریداری کند. این رویکرد امکان می‌دهد تفاوت میان کشورها نه فقط از منظر قیمت کالا، بلکه از منظر نسبت قیمت به درآمد بررسی شود.

اهمیت این مقایسه در آن است که ممکن است قیمت دلاری برخی اقلام در ایران از قیمت کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر باشد، اما به دلیل پایین‌تر بودن سطح دستمزد دلاری، همان کالا فشار بیشتری بر بودجه خانوار ایرانی وارد کند. در مقابل، ممکن است کشوری سطح قیمت بالاتری داشته باشد، اما به دلیل دستمزد بالاتر، قدرت خرید مصرف‌کننده در آن کشور بیشتر باشد. بنابراین، شاخص قدرت خرید کالایی، تصویر دقیق‌تری از وضعیت رفاهی خانوار نسبت به مقایسه ساده قیمت‌ها ارائه می‌دهد.

بر این اساس، در ادامه ابتدا دستمزد ماهانه در ایران و کشورهای منتخب به دلار آمریکا تبدیل می‌شود و سپس با استفاده از قیمت دلاری کالاهای خرده‌فروشی، قدرت خرید هر کشور برای چند قلم ضروری محاسبه می‌گردد. این محاسبه نشان می‌دهد دستمزد ماهانه در هر کشور معادل خرید چه مقدار برنج، گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، شیر، روغن، شکر و حبوبات است و از این طریق، شکاف میان سطح قیمت کالاهای و سطح درآمد خانوارها قابل مشاهده می‌شود.

۷-۱. قدرت خرید کالایی و مقایسه دستمزد دلاری کشورهای منتخب

برای مقایسه توان خرید خانوارها در ایران و کشورهای منتخب، در این بخش از شاخص «قدرت خرید کالایی» استفاده می‌شود. این شاخص نشان می‌دهد دستمزد ماهانه در هر کشور، در صورت اختصاص کامل به خرید یک کالا، معادل چند واحد از آن کالا خواهد بود. به این ترتیب، به‌جای مقایسه صرف قیمت کالاهای، رابطه میان قیمت و دستمزد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در گام نخست، دستمزد ماهانه هر کشور با استفاده از نرخ ارز بازار به دلار آمریکا تبدیل می‌شود. در گام دوم، دستمزد دلاری به‌دست‌آمده بر قیمت دلاری هر کالا تقسیم می‌شود. حاصل این محاسبه نشان می‌دهد که

یک حقوق‌بگیر در هر کشور، با درآمد ماهانه خود چند کیلو برنج، گوشت، مرغ، شکر یا حبوبات و چند لیتر شیر یا روغن می‌تواند خریداری کند.

فرمول تبدیل دستمزد به دلار به صورت زیر است:

- دستمزد ماهانه دلاری = دستمزد ماهانه به پول ملی / نرخ ارز بازار

فرمول محاسبه قدرت خرید کالایی نیز به صورت زیر است:

- قدرت خرید کالایی = دستمزد ماهانه دلاری / قیمت دلاری هر واحد کالا

برای مثال، اگر دستمزد ماهانه دلاری در یک کشور ۲۰۰ دلار و قیمت هر کیلو گوشت ۱۰ دلار باشد، قدرت خرید گوشت برابر با ۲۰ کیلو در ماه خواهد بود. این شاخص امکان مقایسه‌ای ساده و قابل فهم میان کشورها فراهم می‌کند و نشان می‌دهد تفاوت سطح قیمت‌ها تا چه اندازه با تفاوت سطح درآمد جبران می‌شود یا نمی‌شود.

جدول ۱۳- چارچوب محاسبه دستمزد ماهانه دلاری در کشورهای منتخب

کشور	شاخص دستمزد مورد استفاده	دستمزد ماهانه به پول ملی	نرخ ارز مورد استفاده	دستمزد ماهانه دلاری	توضیح
ایران	حداقل دستمزد / حداقل درآمد ماهانه ^{۴۸}	۱۰۳,۹۰۹,۶۸۰	۹۰۰,۰۰۰ ریال	۱۱۵.۵	مبنای سنجش فشار بر حقوق‌بگیران حداقلی
عراق	حداقل یا متوسط دستمزد قابل دسترس ^{۴۹}	۳۵۰,۰۰۰	۱,۳۰۹ دینار	۲۶۷.۴	حداقل دستمزد ملی در عراق فدرال
پاکستان	حداقل یا متوسط دستمزد قابل دسترس ^{۵۰}	۴۰,۰۰۰	۲۷۸ روپیه	۱۴۳.۹	حداقل دستمزد اعلامی برای سال مالی ۲۰۲۵-۲۰۲۶
ترکیه	حداقل دستمزد ماهانه ^{۵۱}	۲۲,۱۰۴,۶۷	۳۹ لیر	۵۶۶.۸	حداقل دستمزد خالص مصوب سال ۲۰۲۵
هند	حداقل یا متوسط دستمزد قابل دسترس ^{۵۲}	۲۲,۲۲۰	۸۵.۵ روپیه	۲۵۹.۹	میانگین درآمد ماهانه کارکنان
چین	متوسط دستمزد یا حداقل دستمزد شهری منتخب ^{۵۳}	۵,۹۶۶	۷.۲ یوان	۸۲۸.۶	محاسبه شده از میانگین سالانه دستمزد کارکنان واحدهای خصوصی شهری
ایتالیا	متوسط دستمزد یا حداقل دستمزد معادل ^{۵۴}	۳,۳۳۰	۰.۹۲ یورو	۳,۶۱۹.۶	میانگین درآمد ماهانه کارکنان

برای داده‌های دستمزد در جدول ۱۳، تلاش شده است برای هر کشور از قابل اتکاترین شاخص در دسترس استفاده شود؛ به گونه‌ای که امکان مقایسه تقریبی توان خرید کالاهای ضروری فراهم شود.

^{۴۸} <https://bidbarg.net/regulation/circular/mozd-۱۴۰۴/>

^{۴۹} <https://www.ilo.org/sites/default/files/۲۰۲۵-۰۹/V۵ConstructionPolicyPaper.pdf>

^{۵۰} <https://clr.org.pk/Labour-Laws/Minimum%۲۰Wage%۲۰Notification/Sindh%۲۰Unskilled%۲۰Workers%۲۰Minimum%۲۰Wages%۲۰۲۰۲۵.pdf>

^{۵۱} <https://www.csgeb.gov.tr/en/news/۲۴-۱۲-۲۰۲۴/>

^{۵۲} <https://ilostat.ilo.org/data/country-profiles/ind/>

^{۵۳} https://www.stats.gov.cn/english/PressRelease/۲۰۲۶۰۵/t۲۰۲۶۰۵۱۸_۱۹۶۳۷۴۰.html

^{۵۴} <https://ilostat.ilo.org/data/country-profiles/ita/>

در مورد ایران، حداقل دستمزد مصوب سال ۱۴۰۴ به عنوان مبنای محاسبه در نظر گرفته شده است. این انتخاب از آن جهت مناسب است که هدف این بخش، سنجش توان خرید گروه‌های حقوق‌بگیر در مواجهه با قیمت اقلام ضروری است. با این حال، باید توجه داشت که حداقل دستمزد نماینده کل جامعه شاغلان نیست و بیشتر وضعیت پایین‌ترین سطح رسمی دستمزد را نشان می‌دهد.

برای عراق، پاکستان و ترکیه نیز از حداقل دستمزد رسمی یا مصوب استفاده شده است؛ زیرا این شاخص در این کشورها مبنای مشخص‌تری برای سنجش توان خرید حقوق‌بگیران فراهم می‌کند. در مقابل، برای هند، چین و ایتالیا، به دلیل تفاوت در نظام دستمزدی و محدودیت دسترسی به حداقل دستمزد ملی یکپارچه یا قابل مقایسه، از میانگین درآمد یا دستمزد ماهانه قابل دسترس استفاده شده است. بنابراین، باید توجه داشت که ارقام مربوط به این کشورها الزاماً با حداقل دستمزد ایران، عراق، پاکستان و ترکیه از یک جنس آماری واحد نیستند.

با وجود این محدودیت، جدول ۱۳ تصویر مهمی از تفاوت سطح درآمد دلاری میان کشورهای منتخب ارائه می‌دهد. دستمزد دلاری در ایران، حتی بر مبنای حداقل دستمزد رسمی، در سطحی پایین‌تر از بیشتر کشورهای مورد بررسی قرار می‌گیرد. این موضوع نشان می‌دهد که اگرچه ممکن است قیمت دلاری برخی کالاها در ایران از کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر باشد، اما پایین بودن سطح دستمزد دلاری می‌تواند توان خرید واقعی خانوار را محدود کند.

در مرحله بعد، دستمزد ماهانه دلاری هر کشور بر قیمت دلاری اقلام منتخب تقسیم می‌شود تا مشخص شود هر حقوق‌بگیر با درآمد ماهانه خود چه مقدار از کالاهایی مانند برنج، گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، شیر، روغن، شکر و حبوبات را می‌تواند خریداری کند. این محاسبه امکان می‌دهد شکاف میان سطح قیمت کالاها و سطح درآمد به صورت عینی‌تر و قابل مقایسه‌تر نشان داده شود.

۲-۷. قدرت خرید کالاهای ضروری بر اساس دستمزد

در ادامه بررسی می‌نماییم که در صورت اختصاص کامل دستمزد ماهانه یک حقوق‌بگیر به خرید هر کالا، چه مقدار از آن کالا را می‌تواند خریداری نماید.

جدول ۱۴- قدرت خرید اقلام ضروری بر اساس دستمزد ماهانه دلاری

کشور	دستمزد ماهانه دلاری	برنج (کیلو)	گوشت گاو (کیلو)	مرغ (کیلو)	تخم مرغ (بسته ۱۲ عددی)	شیر (لیتر)	روغن (لیتر)	شکر (کیلو)	حبوبات (کیلو)
ایران	۱۱۵.۵	۷۹.۱	۱۱.۹	۷۰.۹	۱۳۲.۸	۱۶۹.۹	۸۴.۳	۱۴۸.۱	۲۴.۹
عراق	۲۶۷.۴	۱۷۴.۸	۲۱.۲	۶۲.۵	۱۵۱.۹	۲۲۶.۶	۱۲۹.۸	۲۷۸.۵	۱۵۹.۲
پاکستان	۱۴۳.۹	۱۵۹.۹	۱۸.۲	۵۷.۱	۱۱۱.۶	۱۸۲.۲	۸۰.۴	۲۲۱.۴	۷۹.۹
ترکیه	۵۶۶.۸	۲۷۶.۵	۲۹.۵	۱۴۷.۲	۲۴۵.۴	۴۹۲.۹	۱۹۲.۱	۴۶۸.۴	۲۲۱.۴
هند	۲۵۹.۹	۳۶۶.۱	۴۴.۴	۸۳.۰	۲۶۲.۵	۳۶۶.۱	۱۲۶.۸	۴۱۹.۲	۱۴۳.۶
چین	۸۲۸.۶	۹۲۰.۷	۷۸.۵	۲۵۹.۷	۵۴۱.۶	۴۹۶.۲	۳۱۳.۹	۵۹۶.۱	۴۲۷.۱
ایتالیا	۳,۶۱۹.۶	۱۲۷۹	۱۸۶	۳۰۲.۶	۹۰۰.۴	۲۳۸۱.۳	۹۵۲.۵	۱۶۶۸.۰	۹۵۲.۵

منبع: محاسبات گزارش بر اساس دستمزد ماهانه دلاری جدول ۱۴ و قیمت دلاری خرده‌فروشی اقلام منتخب مندرج در جدول ۷ همین گزارش به دست آمده است.

نتایج جدول ۱۴ نشان می‌دهد که پایین‌تر بودن قیمت دلاری برخی کالاها در ایران لزوماً به معنای قدرت خرید بالاتر نیست. برای نمونه، اگرچه قیمت دلاری برخی اقلام در ایران از ایتالیا یا ترکیه پایین‌تر است، اما به دلیل پایین بودن سطح دستمزد دلاری، مقدار قابل خرید بسیاری از کالاهای ضروری در ایران کمتر از کشورهای منتخب است. این موضوع به‌ویژه در مورد گوشت گاو، برنج، روغن، شکر و حبوبات قابل مشاهده است.

در ایران، قدرت خرید گوشت گاو حدود ۱۱.۹ کیلو در ماه است؛ در حالی که این عدد در عراق ۲۱.۲ کیلو، در پاکستان ۱۸.۲ کیلو، در ترکیه ۲۹.۵ کیلو، در هند ۴۴.۴ کیلو، در چین ۷۸.۵ کیلو و در ایتالیا ۱۸۶ کیلو است. همچنین قدرت خرید حبوبات در ایران حدود ۲۴.۹ کیلو است، در حالی که در عراق ۱۵۹.۲ کیلو، در ترکیه ۲۲۱.۴ کیلو، در چین ۴۲۷.۱ کیلو و در ایتالیا ۹۵۲.۵ کیلو برآورد می‌شود. این تفاوت نشان می‌دهد که بخشی از اقلام ضروری در ایران، در نسبت با سطح دستمزد، فشار بیشتری بر حقوق‌بگیران وارد می‌کنند. با این حال، وضعیت ایران در همه کالاها یکسان نیست. برای مثال، قدرت خرید مرغ در ایران نسبت به عراق و پاکستان بالاتر است و در مورد تخم‌مرغ نیز ایران از پاکستان وضعیت بهتری دارد. این موضوع نشان می‌دهد که شکاف قیمت و دستمزد در ایران یک پدیده کاملاً یکدست نیست، بلکه بسته به نوع کالا، میزان وابستگی به واردات، ساختار تولید، سیاست‌های حمایتی و مداخلات تنظیم بازار متفاوت است.

۳-۷. تحلیل شکاف قیمت دلاری و دستمزد دلاری

برای جمع‌بندی رابطه میان قیمت و دستمزد، در جدول زیر یک سبد منتخب از ۸ قلم کالای ضروری در نظر گرفته شده است. این سبد شامل یک واحد از هر یک از اقلام زیر است: یک کیلو برنج، یک کیلو گوشت گاو، یک کیلو مرغ، یک بسته ۱۲ عددی تخم‌مرغ، یک لیتر شیر، یک لیتر روغن نباتی، یک کیلو شکر و یک کیلو حبوبات. سپس هزینه دلاری این سبد با دستمزد ماهانه دلاری هر کشور مقایسه شده است.

جدول ۱۵- شاخص شکاف قیمت دلاری و دستمزد دلاری در سبد منتخب کالاهای ضروری

کشور	دستمزد ماهانه دلاری	هزینه دلاری سبد منتخب	سهم سبد از دستمزد ماهانه	تعداد سبد قابل خرید با یک ماه دستمزد	شاخص دستمزد دلاری ^{۵۵}	شاخص هزینه ^{۵۶}	شاخص قدرت خرید سبد ^{۵۷}
ایران	۱۱۵.۵	۲۱.۱	٪۱۸.۳	۵.۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
عراق	۲۶۷.۴	۲۶.۱	٪۹.۷	۱۰.۳	۲۳۱.۵	۱۲۳.۵	۱۸۷.۵
پاکستان	۱۴۳.۹	۱۷.۶	٪۱۲.۳	۸.۲	۱۲۴.۶	۸۳.۶	۱۴۸.۹
ترکیه	۵۶۶.۸	۳۵.۳	٪۶.۲	۱۶.۱	۴۹۰.۷	۱۶۷.۳	۲۹۳.۲
هند	۲۵۹.۹	۱۵.۹	٪۶.۱	۱۶.۴	۲۲۵	۷۵.۲	۲۹۹.۲
چین	۸۲۸.۶	۲۳.۸	٪۲.۹	۳۴.۸	۷۱۷.۴	۱۱۲.۹	۶۳۵.۵
ایتالیا	۳,۶۱۹.۶	۴۹.۶	٪۱.۴	۷۳	۳۱۳۳.۹	۲۳۴.۹	۱۳۳۴.۲

هزینه دلاری سبد منتخب در جدول ۱۶ از جمع قیمت دلاری ۸ قلم کالای منتخب در جدول ۷ به‌دست آمده است.

نتایج جدول ۱۵ تصویر روشن‌تری از شکاف میان سطح قیمت و سطح دستمزد ارائه می‌دهد. هزینه دلاری سبد منتخب در ایران حدود ۲۱.۱ دلار است. این رقم از ترکیه، عراق، چین و ایتالیا پایین‌تر است، اما از هند و پاکستان بالاتر قرار می‌گیرد. با این حال، نکته اصلی در سطح هزینه سبد نیست، بلکه در نسبت آن با دستمزد ماهانه است. در ایران، خرید این سبد منتخب حدود ۱۸.۳ درصد حداقل دستمزد ماهانه را جذب

^{۵۵} دستمزد دلاری کشور ÷ دستمزد دلاری ایران × ۱۰۰، این شاخص نشان می‌دهد دستمزد دلاری هر کشور چند برابر ایران است.

^{۵۶} هزینه دلاری سبد کشور ÷ هزینه دلاری سبد ایران × ۱۰۰، این شاخص نشان می‌دهد سبد منتخب در هر کشور نسبت به ایران چقدر گران‌تر یا ارزان‌تر است.

^{۵۷} تعداد سبد قابل خرید در کشور ÷ تعداد سبد قابل خرید در ایران × ۱۰۰، این شاخص نشان می‌دهد قدرت خرید دستمزد هر کشور برای این سبد چند برابر ایران است.

می‌کند؛ در حالی که این نسبت در پاکستان ۱۲.۳ درصد، در عراق ۹.۷ درصد، در ترکیه ۶.۲ درصد، در هند ۶.۱ درصد، در چین ۲.۹ درصد و در ایتالیا تنها ۱.۴ درصد است.

به بیان دیگر، اگرچه هزینه دلاری سبد منتخب در ایران پایین‌تر از برخی کشورهاست، اما چون دستمزد دلاری ایران بسیار پایین‌تر است، همان سبد سهم بیشتری از درآمد ماهانه را به خود اختصاص می‌دهد. این یافته نشان می‌دهد که مسئله اصلی در ایران صرفاً سطح قیمت کالاها نیست، بلکه شکاف میان قیمت کالاهای ضروری و سطح دستمزد دلاری است. این شکاف باعث می‌شود حتی کالاهایی که در مقایسه دلاری مطلق، ارزان‌تر از کشورهای توسعه‌یافته یا برخی کشورهای منطقه‌ای به نظر می‌رسند، در نسبت با درآمد خانوار فشار بیشتری ایجاد کنند.

بر اساس شاخص قدرت خرید سبد، ایران مبنای ۱۰۰ در نظر گرفته شده است. قدرت خرید سبد در پاکستان حدود ۱۴۹، در عراق حدود ۱۸۸، در ترکیه و هند حدود ۲۹۳ تا ۲۹۹، در چین حدود ۶۳۶ و در ایتالیا بیش از ۱۳۳۴ است. بنابراین، حتی کشورهایمانند پاکستان و عراق که از نظر سطح توسعه و درآمد سرانه به ایران نزدیک‌تر از چین یا ایتالیا هستند، در این محاسبه قدرت خرید بالاتری برای سبد منتخب کالاهای ضروری نشان می‌دهند.

جمع‌بندی این بخش حاکی از آن است که در ایران، بخشی از قیمت کالاهای ضروری به سطحی نزدیک به قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی رسیده یا از برخی کشورها بالاتر است، اما دستمزد دلاری متناسب با این سطح قیمت‌ها افزایش نیافته است. بنابراین، پدیده اصلی را می‌توان «شکاف میان دلاری‌شدن نسبی هزینه کالاهای ضروری و پایین‌ماندن دستمزد دلاری» دانست. این شکاف، قدرت خرید حقوق‌بگیران را محدود کرده و باعث می‌شود فشار هزینه‌ای کالاهای ضروری در ایران بیش از آن چیزی باشد که صرفاً از مقایسه قیمت دلاری کالاها مشاهده می‌شود.

۸- جمع بندی و پیشنهادهای سیاستی

هدف اصلی این گزارش، بررسی این پرسش بود که آیا قیمت اقلام ضروری در ایران، به‌ویژه کالاهای خوراکی و مصرفی مهم، به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده است یا خیر؛ و در صورت نزدیک شدن بخشی از قیمت‌ها به سطوح دلاری، آیا درآمد و دستمزد خانوار ایرانی نیز متناسب با آن افزایش یافته است یا نه. برای پاسخ به این پرسش، قیمت کالاها در چند سطح تحلیل شد: خرده‌فروشی بر اساس نرخ ارز بازار، خرده‌فروشی بر اساس برابری قدرت خرید، عمده‌فروشی بر اساس نرخ ارز بازار، حاشیه توزیع میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، و در نهایت نسبت قیمت کالاها به دستمزد ماهانه.

نتایج این مراحل نشان می‌دهد که مسئله قیمت کالاهای ضروری در ایران را نمی‌توان تنها با یک شاخص توضیح داد. مقایسه دلاری قیمت‌ها نشان می‌دهد برخی اقلام خوراکی در ایران به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده‌اند؛ اما مقایسه بر اساس برابری قدرت خرید نشان می‌دهد فشار نسبی برخی کالاها بر خانوار ایرانی همچنان بالاست. از سوی دیگر، تحلیل عمده‌فروشی و حاشیه توزیع نشان می‌دهد که منشأ گرانی در همه کالاها یکسان نیست؛ در برخی اقلام، فشار قیمتی از مرحله تأمین، واردات یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود و در برخی دیگر، شبکه توزیع، فرآوری، بسته‌بندی و خرده‌فروشی نقش پررنگ‌تری دارند.

بر این اساس، جمع‌بندی نهایی گزارش در چهار محور ارائه می‌شود: نخست، اینکه آیا قیمت اقلام ضروری ایران به سطح جهانی نزدیک شده است؛ دوم، اینکه آیا درآمد ایرانیان نیز متناسب با این سطح قیمت‌ها افزایش یافته است؛ سوم، منشأ اصلی فشار بر قدرت خرید خانوار ایرانی چیست؛ و چهارم، چه پیام‌ها و پیشنهادهای سیاستی از این تحلیل قابل استخراج است.

۸-۱. آیا قیمت اقلام ضروری ایران جهانی شده است؟

نتایج گزارش نشان می‌دهد که پاسخ به این پرسش، مطلق و یکدست نیست. نمی‌توان گفت همه قیمت‌ها در ایران جهانی شده‌اند؛ اما شواهد نشان می‌دهد بخشی از اقلام ضروری، به‌ویژه کالاهای خوراکی واردات‌محور، نهاده‌بر و وابسته به بازارهای جهانی، از منظر دلاری به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده‌اند. این وضعیت بیش از همه در اقلامی مانند برنج خارجی، گوشت، حبوبات، چای، روغن نباتی و برخی کالاهای وابسته به نهاده‌های وارداتی مشاهده می‌شود.

در تحلیل خرده‌فروشی بر اساس نرخ ارز بازار، ایران در برخی اقلام خوراکی، ارزان‌ترین کشور نمونه نیست و در مواردی قیمت دلاری کالاها به سطح کشورهای منطقه‌ای یا حتی بالاتر نزدیک می‌شود. این موضوع نشان

می‌دهد که خانوار ایرانی در بخشی از سبد مصرفی خود، با قیمت‌هایی مواجه است که دیگر صرفاً بر اساس سطح درآمد داخلی قابل توضیح نیست و به قیمت‌های دلاری منطقه‌ای نزدیک شده است.

تحلیل بر اساس برابری قدرت خرید نیز این نتیجه را تقویت می‌کند. در برخی اقلام مانند حبوبات، چای و برنج وارداتی، حتی پس از تعدیل تفاوت سطح عمومی قیمت‌ها میان کشورها، قیمت نسبی ایران همچنان در سطح بالاتری قرار می‌گیرد. بنابراین، مسئله فقط تبدیل ریالی قیمت‌ها به دلار نیست؛ بلکه برخی کالاها در ساختار هزینه زندگی ایران نیز نسبت به کشورهای منتخب، فشار قیمتی بیشتری ایجاد می‌کنند.

در سطح عمده‌فروشی نیز نتایج نشان می‌دهد که بخشی از گرانی برخی کالاها از حلقه‌های ابتدایی زنجیره آغاز می‌شود. قیمت دلاری عمده‌فروشی برخی اقلام مانند برنج وارداتی، ذرت دامی، کنجاله سویا، حبوبات و چای در ایران نسبت به بخشی از کشورهای مورد بررسی بالاتر است. این موضوع نشان می‌دهد که در این اقلام، مشکل صرفاً در خرده‌فروشی یا واسطه‌گری نهایی نیست، بلکه بخشی از فشار قیمتی از مرحله تأمین، واردات، تولید یا عمده‌فروشی به بازار مصرف منتقل می‌شود.

در مقابل، حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه مانند بنزین و برق همچنان فاصله زیادی با قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی دارند و به دلیل قیمت‌گذاری اداری و یارانه‌های آشکار و پنهان، در ایران بسیار ارزان‌تر از کشورهای منتخب هستند. بنابراین، «جهانی‌شدن قیمت‌ها» در ایران پدیده‌ای عمومی و فراگیر نیست؛ بلکه نامتوازن و کالامحور است. به بیان دقیق‌تر، بخشی از هزینه‌های خوراکی و اقلام ضروری به سطح قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده‌اند، اما انرژی و برخی خدمات پایه همچنان از منطق قیمت‌های جهانی فاصله دارند.

جمع‌بندی این محور آن است که قیمت اقلام ضروری در ایران به‌طور کامل جهانی نشده، اما در بخشی از کالاهای خوراکی و واردات‌محور، نشانه‌های روشنی از نزدیک‌شدن به قیمت‌های منطقه‌ای و جهانی مشاهده می‌شود. این وضعیت زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که در کنار سطح درآمد و دستمزد خانوار ایرانی بررسی شود؛ زیرا نزدیک‌شدن قیمت کالاها به سطح دلاری، بدون افزایش متناسب درآمدها، به کاهش قدرت خرید و تشدید فشار بر خانوار منجر می‌شود.

۲-۸. آیا درآمد ایرانیان هم جهانی شده است؟

بررسی دستمزد و قیمت کالاهای ضروری نشان می‌دهد که در ایران بخشی از قیمت‌ها به سطوح منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده، اما دستمزدها متناسب با این سطح قیمت‌ها افزایش نیافته‌اند. به بیان دیگر، در برخی اقلام، هزینه‌ها تا حدی «دلاری» شده‌اند، در حالی که درآمد خانوار ایرانی همچنان در سطحی به مراتب پایین‌تر از کشورهای مورد مقایسه قرار دارد.

در جدول ۱۴، دستمزد ماهانه کشورهای منتخب پس از تبدیل به دلار آمریکا مقایسه شده و مشخص شده است که دستمزد دلاری ایران، حتی بر مبنای حداقل دستمزد رسمی، پایین تر از بیشتر کشورهای مورد بررسی است؛ در حالی که قیمت دلاری تعدادی از اقلام خوراکی در ایران الزاماً کمتر از این کشورها نیست. جدول ۱۵ با نسبت دادن دستمزد ماهانه به قیمت دلاری کالاهای منتخب، نشان می‌دهد که قدرت خرید حقوق‌بگیران ایرانی بر مبنای شاخص دستمزد مورد استفاده در گزارش، در مورد کالاهایی نظیر گوشت گاو، حبوبات، روغن، شکر و برنج، در بسیاری موارد کمتر از قدرت خرید در کشورهایمانند عراق، ترکیه، هند، چین و ایتالیا است. جدول ۱۶ نیز با استفاده از یک سبد منتخب چندقلمی نشان می‌دهد که اگرچه هزینه دلاری این سبد در ایران در مواردی از برخی کشورها پایین تر است، سهم این سبد از دستمزد ماهانه در ایران از همه کشورهای مورد بررسی بیشتر است؛ یعنی همان سبد، بخش بزرگ‌تری از درآمد خانوار ایرانی را جذب می‌کند. بنابراین، مسئله اصلی صرفاً سطح قیمت کالاها نیست، بلکه شکاف میان سطح قیمت اقلام ضروری و سطح دستمزد است؛ شکافی که خانوارها را ناگزیر به اختصاص سهم بالاتری از درآمد به خوراک و کاهش هزینه برای سایر نیازها می‌کند.

در نتیجه، پاسخ به پرسش اصلی گزارش آن است که «درآمد ایرانیان جهانی نشده است»: بخشی از قیمت‌ها به سطوح جهانی نزدیک شده، اما دستمزد دلاری در ایران پایین مانده و همین عدم تقارن، عامل اصلی تضعیف قدرت خرید خانوار ایرانی است. از منظر سیاستی، این یافته نشان می‌دهد که اتکای صرف به کنترل مقطعی قیمت‌ها یا مداخله کوتاه‌مدت در بازار برخی کالاها نمی‌تواند فشار اقتصادی بر خانوار را به‌طور پایدار کاهش دهد؛ تا زمانی که تورم مزمن، نوسان نرخ ارز و عقب‌ماندگی دستمزد واقعی اصلاح نشود، رابطه میان درآمد، قیمت و ثبات اقتصادی نیازمند اصلاح ساختاری و پایدار است.

۳-۸. منشأ فشار معیشتی چیست؟

نتایج گزارش نشان می‌دهد که فشار بر قدرت خرید خانوار ایرانی حاصل یک عامل منفرد نیست، بلکه از هم‌زمانی چند عامل شکل می‌گیرد. نخست، بخشی از قیمت اقلام ضروری، به‌ویژه کالاهای خوراکی واردات‌محور و وابسته به نهاده‌های جهانی، به سطوح منطقه‌ای و جهانی نزدیک شده است؛ در حالی که دستمزد دلاری در ایران متناسب با این سطح قیمت‌ها افزایش نیافته است. بنابراین، حتی اگر قیمت دلاری برخی کالاها در ایران از کشورهای توسعه‌یافته پایین تر باشد، سهم آن‌ها از درآمد خانوار ایرانی می‌تواند بیشتر باشد. عامل دوم، تورم مزمن و نوسان نرخ ارز است. بی‌ثباتی اقتصاد کلان باعث می‌شود هزینه تولید، واردات، حمل‌ونقل، انبارداری و سرمایه در گردش افزایش یابد و این فشار به قیمت نهایی کالاهای ضروری منتقل شود. از سوی دیگر، بررسی عمده‌فروشی و خرده‌فروشی نشان می‌دهد منشأ گرانی در همه کالاها یکسان نیست؛ در

برخی اقلام، فشار از مرحله تأمین و عمده‌فروشی آغاز می‌شود و در برخی دیگر، شبکه توزیع، واسطه‌گری، بسته‌بندی و خرده‌فروشی نقش پررنگ‌تری دارد.

عامل سوم، نامتوازن بودن ساختار قیمت‌ها و حمایت‌ها در اقتصاد ایران است. در حالی که بخشی از کالاهای خوراکی برای خانوارها گران شده‌اند، حامل‌های انرژی و برخی خدمات پایه همچنان با قیمت‌هایی بسیار پایین‌تر از سطح منطقه‌ای عرضه می‌شوند. این وضعیت نشان می‌دهد که منابع حمایتی الزاماً به شکل مستقیم به تقویت توان خرید اقلام ضروری خانوار منجر نمی‌شود.

در مجموع، منشأ اصلی فشار بر خانوار ایرانی را می‌توان در شکاف میان قیمت کالاهای ضروری، سطح دستمزد و ثبات اقتصاد کلان دانست. بخشی از قیمت‌ها به سطح جهانی نزدیک شده، اما درآمدها جهانی نشده‌اند. تا زمانی که تورم پایدار مهار نشود، نرخ ارز ثبات پیدا نکند، زنجیره تأمین و توزیع اصلاح نشود و دستمزد واقعی از هزینه‌های ضروری عقب بماند، فشار بر قدرت خرید خانوار ادامه خواهد داشت.

۴-۸. پیشنهادهای سیاستی

یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که فشار وارد بر قدرت خرید خانوار ایرانی، صرفاً با مداخله‌های مقطعی در بازار کالاهای اساسی یا کنترل اداری قیمت‌ها قابل مدیریت پایدار نیست. منشأ اصلی مسئله، شکاف میان سطح قیمت اقلام ضروری، سطح دستمزد و بی‌ثباتی اقتصاد کلان است. از این رو، سیاست‌گذاری در این حوزه باید از رویکردهای کوتاه‌مدت و واکنشی فاصله گرفته و در قالب مجموعه‌ای هماهنگ از سیاست‌های کلان، حمایتی و تنظیمی دنبال شود.

نخست، مهار پایدار تورم، به‌ویژه تورم اقلام خوراکی، باید در اولویت سیاست اقتصادی قرار گیرد. کنترل قیمت کالاهای ضروری بدون کنترل عوامل بنیادین تورم، از جمله ناترازی‌های بودجه‌ای، رشد نقدینگی، نوسانات نرخ ارز و بی‌ثباتی انتظارات، امکان‌پذیر نخواهد بود. در شرایطی که تورم مزمن و جهش‌های ارزی تداوم داشته باشد، هزینه تولید، واردات، حمل‌ونقل، انبارداری و توزیع کالاهای ضروری افزایش یافته و در نهایت به مصرف‌کننده منتقل می‌شود.

دوم، سیاست‌های حمایتی لازم است از حمایت‌های عمومی و غیرهدفمند به سمت حمایت مستقیم از قدرت خرید خانوار، به‌ویژه دهک‌های پایین درآمدی، حرکت کند. با توجه به سهم بالای اقلام خوراکی در هزینه خانوارهای کم‌درآمد، تقویت ابزارهایی مانند کالابرگ الکترونیک، اعتبار خرید کالاهای اساسی و حمایت‌های نقدی یا اعتباری متناسب با تورم خوراکی می‌تواند نقش مؤثرتری در کاهش فشار هزینه‌ای بر خانوار ایفا کند. سوم، سیاست دستمزد باید ارتباط دقیق‌تری با هزینه واقعی سبد کالاهای ضروری داشته باشد. در شرایطی که قیمت اقلام خوراکی و کالاهای اساسی با سرعتی بالاتر از توان درآمدی خانوار افزایش می‌یابد، تعیین

دستمزد صرفاً بر مبنای شاخص‌های کلی تورم، برای حفظ قدرت خرید کافی نیست. از این رو، لازم است در فرآیند تعیین حداقل دستمزد، شاخص هزینه سبد کالاهای ضروری، سهم خوراکی‌ها از درآمد خانوار و تغییرات قدرت خرید واقعی حقوق‌بگیران با دقت بیشتری لحاظ شود.

چهارم، اصلاح زنجیره تأمین و توزیع کالاهای اساسی باید به صورت کالابه‌کالا دنبال شود. نتایج گزارش نشان می‌دهد که منشأ افزایش قیمت در همه کالاهای یکسان نیست. در برخی اقلام، فشار قیمتی از سطح واردات، نهاده، تولید یا عمده‌فروشی آغاز می‌شود؛ در حالی که در برخی دیگر، فاصله میان عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، هزینه‌های توزیع، بسته‌بندی، حمل‌ونقل، واسطه‌گری و حاشیه سود نقش بیشتری دارد. بنابراین، سیاست‌های تنظیم بازار باید بر اساس منشأ گرانی هر کالا طراحی شود، نه بر مبنای رویکردی یکسان برای همه اقلام.

پنجم، تقویت نظام پایش قیمت‌ها و قدرت خرید ضروری است. ایجاد سازوکاری منظم برای رصد هم‌زمان قیمت خرده‌فروشی، قیمت عمده‌فروشی، قیمت جهانی کالاهای، نرخ ارز، حاشیه توزیع و قدرت خرید دستمزد می‌تواند به سیاست‌گذار کمک کند منشأ افزایش قیمت هر کالا را دقیق‌تر شناسایی کند. در نبود چنین نظام پایشی، سیاست‌ها عمدتاً مقطعی، واکنشی و کم‌اثر خواهند بود.

در نهایت، اصلاح نظام یارانه‌ای و سیاست‌های حمایتی باید با هدف تقویت مستقیم توان خرید کالاهای ضروری صورت گیرد. استمرار قیمت‌گذاری بسیار پایین در بخش انرژی و برخی خدمات پایه، اگرچه در ظاهر نوعی حمایت عمومی محسوب می‌شود، اما الزاماً به بهبود قدرت خرید خوراکی و کالاهای ضروری خانوار منجر نمی‌شود. از این رو، بخشی از منابع حمایتی باید به تدریج به سمت امنیت غذایی، کاهش هزینه تأمین اقلام ضروری و حمایت هدفمند از خانوارهای آسیب‌پذیر هدایت شود.

بر این اساس، پیام سیاستی اصلی گزارش آن است که کاهش فشار بر خانوار ایرانی نیازمند رویکردی ترکیبی و هماهنگ است؛ رویکردی که هم‌زمان ثبات اقتصاد کلان، مهار تورم، اصلاح زنجیره تأمین و توزیع، هدفمندکردن حمایت‌ها و حفظ قدرت خرید دستمزد را دنبال کند. اجرای پیشنهادهای این گزارش نیازمند تقسیم‌کار روشن میان نهادهای مسئول است. بانک مرکزی باید مهار تورم، ثبات بخشی به نرخ ارز و کنترل رشد نقدینگی را در اولویت قرار دهد. سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی باید با انضباط مالی و تأمین منابع پایدار، از تبدیل حمایت‌های معیشتی به عامل جدید تورم جلوگیری کنند. وزارت جهاد کشاورزی باید تأمین پایدار کالاهای غذایی، نهاده‌های دامی، ذخایر راهبردی و کاهش هزینه تأمین در مبدأ را دنبال کند. وزارت صمت و سازمان حمایت باید فاصله قیمت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، حاشیه سود، شبکه توزیع و تخلفات بازار را به صورت مستمر پایش کنند. گمرک و دستگاه‌های متولی تجارت خارجی نیز باید واردات و ترخیص کالاهای ضروری و نهاده‌ها را شفاف، سریع و کم‌هزینه کنند. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، شورای عالی کار و سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها باید سیاست دستمزد، کالابرگ و حمایت‌های معیشتی را بر مبنای هزینه واقعی سبد کالاهای ضروری تنظیم کنند. مرکز آمار ایران و بانک مرکزی نیز باید

داده‌های منظم و قابل اتکا درباره تورم خوراکی، قیمت کالاهای ضروری و قدرت خرید خانوار منتشر کنند. در نهایت، سازمان تعزیرات حکومتی و نهادهای نظارتی باید با تخلفات شبکه توزیع برخورد کنند؛ اما اثربخشی نظارت زمانی پایدار خواهد بود که هم‌زمان با اصلاح سیاست‌های ارزی، مالی، تأمین کالا و حمایت از قدرت خرید خانوار دنبال شود.